



اساس سوسیالیسم انسان است،  
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.  
منصور حکمت



برای

# یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سر دبیر: سیاوش دانشور e.mail: siavash\_d@yahoo.com چهارشنبه ها منتشر میشود ۲۰ ژوئن ۲۰۰۷ - ۳۰ خرداد ۱۳۸۶



## یاد جانباختگان کشتار ۳۰ خرداد ۶۰ گرامی باد!

در ۳۰ خرداد ۶۰ یک کودتای خونین ضد انقلابی - اسلامی صورت میگیرد. هجوم میاورند و روزی ۳۰۰، ۵۰۰ نفر را در اوین و سراسر کشور اعدام میکنند، روزنامه ها را می بندند و مخالفینشان را تار و مار میکنند. این آن پدیده ای است که باعث شد جمهوری اسلامی امروز وجود داشته باشد. مقطع پیدایش و تثبیت جمهوری اسلامی، ۳۰ خرداد ۶۰ است، نه ۲۲ بهمن. ۲۲ بهمن انقلاب مردم است ولی از ۱۷ شهریور ۵۷ (که روز تیراندازی ارتش شاه به مردم و کشتار در میدان ژاله بود) تا ۳۰ خرداد ۶۰ فاصله ای است که در آن نیروها و دولت های دست راستی سعی کردند جلوی انقلاب مردم را بگیرند. و بالاخره ۳۰ خرداد مقطعی است که این سرکوب صورت میگیرد.

این از جنایات های عظیم قرن بیستم بود. قابل مقایسه است با آلمان نازی، قابل مقایسه است با کشت و کشتار در اندونزی، قابل مقایسه است با نسل کشی در رواندا، به مراتب وحشتناک تر از وقایعی است که در شیلی اتفاق افتاد. یکی از فجایع مهم و تراژدی های مهم انسانی قرن بیستم است. زدند، سرکوب کردند، کشتند، در گورهای بدون نام و نشان دفن کردند، آدمهای بسیار بسیار زیادی را، نازنین ترین و پرشورترین و آزادیخواه ترین انسانها را، بقتل رساندند تا سرکار بمانند.

منصور حکمت

## یادداشت سردبیر

سیاوش دانشور

در آستانه ۱۸ تیر

اپوزیسیون راست و سرنگونی

۱۸ تیر ۷۸ سرآغاز اعلام موجودیت توده ای جنبش سرنگونی بود. شش روزی که پیام متفاوتی را از سیاست در ایران به جهانیان مخابره کرد و اثبات کرد که جدال سیاسی در ایران سه طرف دارد. یک طرف آن مردم اند که کل این بساط را نمیخواهند. ۱۸ تیر حکم بطلان اصلاح طلبی اسلامی و حکم سرنگونی کل نظام را کف دست سران رژیم گذاشت. همان اصلاح طلبی دستگاهی که اساس آن تلاش حکومت برای بقا و قالب زدن اعتراض سرنگونی طلبانه و به خانه فرستادن مردم بود. هشت سال بعد از ۱۸ تیر صحنه سیاست ایران و جهان بشدت تغییر کرده است. مردم کماکان خواهان سرنگونی هستند و جمهوری اسلامی را نمیپذیرند. اصلاح طلبی اسلامی شکست خورد و در فقدان یک رهبری منسجم و قابل اتکا رژیم اسلامی به حاکمیت منحوسش ادامه داد. در این سالها تلاش سیاسی و اجتماعی علیه حکومت اسلامی هویت روشنتری یافت. جنبشهای اجتماعی به میدان آمدند. اعتراض نسل جدید و تعرض به ارزشهای اسلامی انسجام بیشتری یافت. جنبش برابری حقوق زنان با قدرت ابراز وجود کرد و مراسمهای هشت مارس و برابری طلبی سوسیالیستی راست اپوزیسیون را هم به کرنش وادار کرد. اعتراضات وسیع معلمان تداوم یافت و صحنه سیاست را تحت تاثیر قرار داد. و بالاخره غول خفته بیدار شد. طبقه کارگر و اعتراض کارگری محور اعتراض علیه وضع موجود شد. تلاش برای سازمانیابی و تشکل، اعتراض علیه فقر و فلاکتی که رژیم اسلامی سرمایه داران به کل جامعه تحمیل کرده است، در مبارزه و

صفحه ۱۷

بیانیه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

## جنگ داخلی در فلسطین و راه حل ما

صفحه ۲



سیاسی - طنز،

ده دلار بدهید افتخار ببرید!  
تاریخ فرمانروایان و بردگان

سعید مدانلو

صفحه ۷

آیا جنبش آزادی زن در ایران به یک روز همبستگی ایرانی نیاز دارد؟

22 خرداد و جنبش آزادی زن!

صفحه ۳

آثر ماجدی

کمپین نه به قوانین اسلام، نجات کودکان از اعدام!

صفحه ۱۱

هما ارجمند

اعتراضات دانشجویی و برخورد وزارت علوم با دانشجویان معترض

صفحه ۶

کامیار آزادمهر

در صفحات دیگر؛ گزارش روز کودک، همبستگی کارگری، ... ، نامه ها و ستون آخر.

## بیانیه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

## جنگ داخلی در فلسطین و راه حل ما

وضعیت مردم فلسطین مایه شرمساری جامعه بشری است. سرکوب، تحقیر، بمباران دائم و وحشیانه توسط دولت نژاد پرست اسرائیل، اعمال تحریم اقتصادی، گرو گرفتن زندگی مردم و گرسنگی دادن به گوشه ثابتی از زندگی مردم فلسطین تبدیل شده است. به این سرنوشت دهشتناک و محرومیت تاریخی مردم فلسطین اکنون جنگ داخلی و فرقه ای دستجات تروریستی اسلامی و ناسیونالیستی نیز اضافه شده است. تاکنون صدها تن قربانی جنگ قدرت حماس و الفتح شده اند. جامعه عملا در یک سناریوی سیاه فرو رفته و شیرازه جامعه از هم پاشیده شده است. یک پی آمد این جنگ فرقه ای تقسیم سرزمینهای فلسطینی به مناطق تحت کنترل و نفوذ دستجات تروریست اسلامیستی و جریانات مرجع ناسیونالیستی است. نوار غزه در کنترل حماس و ساحل غربی تحت حاکمیت الفتح قرار گرفته است. مردم از هر زمان بی حقوق تر و بیشتر در اسارت تشبثات دولت اسرائیل و جریانات اسلامیست و ناسیونالیست قرار گرفته اند. تردیدی نیست که ادامه این وضعیت به تشدید دامنه جنگ دستجات مسلح موجود و گسترش بمباران دولت اسرائیل منجر خواهد شد. ما عمیقا در درد و اندوه و لطمات انسانی مردم محروم فلسطین شریکیم.

بر خلاف تفسیرهای رسانه های مرجع دول غربی وضعیت حاضر نشان هیچ درجه پیشرفت و گشایش در دستیابی به صلح و یا خلاصی این مردم از سرکوبگری اسرائیل، خلاصی از شر اسلامیستها و ارتجاع ناسیونالیستی نیست. تهدید دولت ارتجاعی اسرائیل به بمباران گسترده تر نوار غزه به بهانه مقابله با اسلامیستها، تشدید جنگ میان حماس و الفتح، تنها منجر به گسترش زخمهای موجود بر پیکر این مردم خواهد شد.

وضعیت حاضر خطیر و بغرنج است. دولت اسرائیل و متحدینش از برسمیت شناسی کشور مستقل فلسطینی لجوجانه سرباز میزنند. تمامی طرحهای نیم بند صلح به شکست کشیده شده اند. مردم یا تحت بمباران قرار دارند، یا زیر فشار محاصره و تحریم اقتصادی اند، و یا قربانی بیدفاع جنگ باندهای سیاسی و نظامی اند. وضعیت حاضر میتواند در صورت عدم دخالت فعال بشریت متمدن رو به وخامت بیشتر رود. به این وضعیت سیاه باید فوراً پایان داد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری معتقد است اگر آینده ای برای این مردم وجود داشته باشد، در گرو عروج یک خط مشی فعال، آزادیخواهانه و پیشرو و سوسیالیستی است. باید به نیروی مردم به تروریسم و جنگ، اعم از دولتی و غیر دولتی، اسلامی و ناسیونالیستی، فوراً خاتمه داد. فراخوان ما به مردم اینست که به میدان بیایند و سرنوشت خود را مستقل از دولتهای حاکم و جریانات ارتجاعی اسلامیستی و ناسیونالیستی و مذهبی در دست بگیرند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری معتقد است که مبانی یک جنبش مردمی در برابر چنین اوضاعی نمیتواند دعوت به آرامش و حفظ وضع موجود و نتیجتاً بقای حاکمیت دستجات مرجع بر سرنوشت مردم باشد. چنین وضعیتی نه فقط عملی نیست، بلکه عادلانه نیست، آزادیخواهانه نیست، کارساز نیست. جنبش مقاومت مردمی در برابر جنگ و تروریسم فقط میتواند حول پاسخهای اثباتی برای معضلات سیاسی و تاریخی گرهی این منطقه و با اتخاذ یک موضع فعال نه برای حفظ وضع موجود بلکه برای تغییر ریشه ای این اوضاع سازمان یابد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری معتقد است حل مساله فلسطین و

تشکیل کشور برابر و متساوی الحقوق فلسطینی یک رکن اصلی حل مسائل بغرنج خاورمیانه است. این معضل تاریخی باید سریعاً حل شود. مردم فلسطین باید کشور مستقل خود را داشته باشند. باید آمریکا و دولتهای غربی را ناگزیر کرد از حمایت یکجانبه خود از اسرائیل دست بردارند. باید اسرائیل را وادار کنند صلح و استقلال فلسطین را بپذیرد. هرگونه تحریم اقتصادی و مالی باید فوراً و بدون قید و شرط لغو گردد. حل مساله فلسطین مهم ترین رکن مقابله با اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی است و جزء اصلی یک دستور کار پیشرو و فعال در قبال اوضاع کنونی است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری معتقد است که صلح در فلسطین بدون به چپ چرخیدن هردو جامعه در اسرائیل و در فلسطین مقدور نیست. سکولاریسم، عدالت طلبی و انساندوستی در هر دو سوی این کشمکش باید بر قوم پرستی و مذهب چیره شود، تا صلحی پایدار ممکن گردد. مساله فلسطین راه حل نظامی ندارد. ارباب بر نمیدارد. در نتیجه نهایتاً تا نگرش دو جامعه نسبت به هم و صف بندی سیاسی میان چپ و راست در درون هردو تغییر نکند، مساله بجای خودش باقی میماند. همین امروز بخش وسیعی از مردم در فلسطین و اسرائیل خواهان پایان دادن به این جنگ و کشتار نفرت انگیز هستند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای یک صلح پایدار و حل ریشه ای مساله تلاش میکند. در عین حال ما مخالفتی با هر پروسه صلح که به درجه ای جنگ، تحریم اقتصادی، فلاکت و بلاتکلیفی مردم را تخفیف دهد، نداریم. ما معتقدیم بمنظور پایان دادن فوری به جنگ فرقه ای و کشتار مردم و اجتناب از سوء استفاده دولت اسرائیل برای تداوم بمباران مردم محروم فلسطین به بهانه مقابله با حماس، میتوان و باید با استقرار نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در منطقه جلوی

آذر ماجدی

## 22 خرداد و جنبش آزادی زن!

آیا جنبش آزادی زن در ایران به یک روز همبستگی ایرانی نیاز دارد؟



## از نشریه آزادی زن

سازمان دهندگان حرکت 22 خرداد 1384 این روز را سرآغاز فصلی نوین در جنبش حقوق زن میدانند. 22 خرداد 84 تجمعی در مقابل سر در دانشگاه تهران با مطالبه تغییر قانون اساسی بنفع زنان شکل گرفت. فعالین حقوق زن فضای مضحکه انتخابات رئیس جمهور را موقعیت مناسبی برای تجمع ارزیابی کرده بودند. از یک سو با این حرکت قصد داشتند بر نتیجه انتخابات تاثیر بگذارند و از سوی دیگر امید داشتند که رژیم اسلامی در این فضا به سرکوب تجمع مبادرت نوزد.

در مورد اول اشتباه ارزیابی کرده بودند. کاندید بخشی از این فعالین، معین دو خردادی از صندوق بیرون نیامد. مساله اینجاست که اگر بیرون هم میامد، گلی بسر این جنبش نمیزد. رئیس ایشان آقای خاتمی 8 سال بر مسند قوه مجریه نشسته بود، و یک میلیتر در وضعیت زنان تغییر داده نشد. لیکن این خاصیت جنبش های باصطلاح اصلاح طلب و پراگماتیست است که به هر نیمچه روزنه ای دخیل می بندند. متوهم اند و توهم می آفرینند.

در این روز عملاً دو تجمع شکل گرفت. یکی در مقابل سر در دانشگاه بمدت حدود یک ساعت که از زنان شرکت کننده مدام خواسته میشد آرام باشند. دیگری تجمع بسیار وسیع تری در پیاده روی مقابل و در حواشی دانشگاه که بمدت چند ساعتی بطول انجامید و زنان و مردان شرکت کننده در آن علیه رژیم اسلامی، آپارتاید جنسی و ستم بر زنان شعار دادند و با نیروهای سرکوب رژیم اسلامی درگیر شدند.

این دو تجمع و اعلام هواداری از کاندیدای دو خردادی توسط برخی فعالین حقوق زن بار دیگر نشان

داد که جنبش حقوق زن از دو گرایش متمایز تشکیل میشود. یکی جنبشی است که دل به اصلاحات خوش کرده است و تصور میکند که قادر است با وجود جمهوری اسلامی در موقعیت زنان بهبودی قابل توجه ایجاد کند. جریانی که در سال 76 تا 78 چنین می اندیشید را شاید میشد درک کرد. اما پس از شکست و خاکسپاری دو خرداد، توسل به بخشی از رژیم برای ایجاد تغییر و اصلاحات نه تنها هوشیارانه نیست بلکه نابخردانه نیز هست. این گرایش خود یکسان نیست متشکل است از دو خردادی های سابق و جریانی که تصور میکند با بلند کردن پرچم اصلاحات میتواند رژیم زن ستیز خشن اسلامی را به عدم سرکوب متقاعد کند، یعنی از روی پراگماتیسم به اصلاح طلبی روی آورده است. رهبران این گرایش حتی به دست بوسی مجلس رفتند، جوایز خود را به خاتمی تقدیم کردند، چه شد؟ آیا موقعیت زنان سر سوزنی بهبود یافت؟ فعالین این گرایش با این سوال روبرو هستند: چه میزان سرکوب و خشونت از جانب رژیم اسلامی و چه میزان سر به سنگ خوردن موجب تغییر سیاست، بینش و روش شما میشود؟

گرایش دیگر درون جنبش حقوق زن رادیکالیسم و تغییر ریشه ای در وضعیت زنان را نمایندگی میکند. این گرایش ذره ای توهم نسبت به این رژیم و "اصلاح طلبی" در چهارچوب رژیم اسلامی ندارد. میداند که زنان زیر سلطه این رژیم به ذره ای آزادی نخواهند رسید و معتقد است که تحولاتی که در وضعیت جامعه و زنان در چند سال اخیر رخ داده است، نتیجه مبارزات جنبش اعتراضی مردم، علی العموم و جنبش آزادی زن، علی الخصوص است. نزد این گرایش خاتمی و جنبش دو خرداد نه تسهیل کننده تغییر توازن قوا و تحولات در وضعیت جامعه و زنان، بلکه

برعکس واکنشی نسبت به جنبش اعتراضی و سرنگونی طلبانه مردم بودند. دو خرداد و خاتمی به این دلیل به میدان نیامدند تا وضعیت مردم را بهبود بخشند و جامعه را آزادتر کنند، آنها پیش از هر چیز آمدند تا در مقابل موج خروشان جنبش اعتراضی مردم بمنظور حفظ رژیم اسلامی سد ایجاد کنند. این تفاوت بینشی، سیاسی، روشی و در یک کلام جنبشی میان دو گرایش، دو افق کاملاً متفاوت را در مقابل جنبش آزادی زن میگذارد. اگر قرار باشد زنان حتی به نیمی از حقوق و مطالباتشان برسند، گرایش رادیکال باید بتواند افق خود را بر جنبش حقوق زن اعمال کند. افق اصلاح طلبانه محکوم به شکست است.

فعالین مبتکر حرکت 22 خرداد 84 تصمیم به تکرار این تجربه گرفتند. تجمعی "مسالمت آمیز" برای 22 خرداد 1385 در میدان 7 تیر فراخوان داده شد. این تجمع پیش از آغاز وحشیانه سرکوب شد. این حرکت نشان داد که جنایتکاران را نمیتوان با بلند کردن پرچم سفید و با قسم خوردن به مسالمت آمیز بودن و صلح طلب بودن اهلی کرد. از آن پس مباحثی میان فعالین حقوق زن در مورد روش های درست و غلط دفاع از حقوق زن شکل گرفته است. از اصلاح طلب بودن یا انقلابی بودن سخن میرود. از پاسیفیسم یا اکتیویسم صحبت میشود. جالب اینجاست که بنظر میرسد

فعالین حقوق زن در ایران صرفاً با تکیه بر تجربه دو سه سال اخیر میخوانند راه یابی کنند، روش درست مبارزه برای حقوق زن را بیابند و یا دیگران را به این روش یا آن یکی متقاعد کنند.

گویی ماهیت رژیم اسلامی را با تکیه بر تجربه این دو سال باید ارزیابی و تحلیل کرد. تجربه دو خرداد گویی از یادشان رفته است. در اذهان مردم فاصله جشن پیروزی خاتمی و توهم به اصلاح طلبی او فقط دو سال طول کشید. 18 تیر 1378 عملاً مهر پایان این توهمات بود. چیزی طول نکشید تا دو خردادی های مقوله "عبور از خاتمی" را طرح کردند و بالاخره دو سه سال بعد نیز به دست خود و به اعتراف خود دو خرداد را به خاک سپردند. آیا این تجربه کافی نیست تا به هشدارها و تحلیل های سخنگویان گرایش رادیکال گوش فرا دهیم. این همه پیگیری در تحمل شکست از کجا نشأت میگیرد؟

در تدارک 22 خرداد 86 فعالین جنبش حقوق زن بیانیه ای را صادر و به امضاء 700 نفر، عمدتاً از فعالین جنبش ملی - اسلامی رساندند. در این بیانیه نیز بینش و روش تنگ و محدود "اصلاح طلبانه" حاکم است. توهم و توهم پراکنی در سطور این بیانیه بچشم میخورد. هنوز نقد متوجه یک بخشی از حاکمیت است، هنوز به بخشی از نظام توهم وجود دارد. تلاش میشود که با ترساندن رژیم از رادیکالیزه شدن جنبش حقوق زن، آن را به تسلیم در مقابل تعدادی از خواست های زنان وادار کند. این بیانیه جنبش عظیم مردم برای سرنگونی را نادیده

صفحه ۴

## یک دنیای بهتر

سردبیر: سیاوش دانشور

مسئولیت مقالات با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در یک دنیای بهتر لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه و حزب اتحاد کمونیسم کارگری نیست. سیاستهای رسمی حزب با امضای حزب و ارگانهای آن منتشر میشوند. مسئولیت نظرات و سیاست رسمی نشریه تماماً با سردبیر است.

## 22 خرداد و جنبش آزادی زن...

میگیرد. تلاش های فردی و یا جمعی زنان، بویژه نسل جوان در ایستادگی در مقابل رژیم را حاشیه ای میکند. این بیانیه چشم بر رادیکالیسم روز افزون در میان نسل جوان می بندد. نه این ایستادگی و مقاومت، که "صبر و تحمل" زنان را تحسین میکند.\* (به پانویس رجوع شود.)

حتما این نقد از جانب برخی با توسل به سلاح پراگماتیسم و این استدلال که برای فرار از سرکوب چنین فرمولبندی هایی استفاده شده است، پاسخ میگیرد. حتی برخی از فعالین داخل کشور ما را متهم خواهند کرد که دشواری های تلاش و مبارزه برای دستیابی به حقوق زن در داخل کشور را درک نمیکنیم و تا آنجا پیش خواهند رفت که بگویند: "نفس تان از جای گرم بلند میشود." ما نیز همانگونه که طی ده سال گذشته مکررا گفته ایم، پاسخ مان به چنین توضیحات یا توجیهاتی چنین است: ما به روشنی دشواری های مبارزه تحت رژیم سرکوبگر و زن ستیز اسلامی را می شناسیم و درک میکنیم. ما بعنوان توریست به خارج نیامده ایم. از دستگیری و شکنجه و اعدام گریخته ایم. درک محدودیت های مبارزه در شرایط سرکوب و تلاش برای تفتیق درستی از کار مخفی و علنی یک مساله است، پذیرش این محدودیت ها بعنوان یک اصل و وفق دادن مطالبات و امیال جنبش مان با این محدودیت ها مساله ای دیگر. ما محدودیت ها را درک میکنیم ولی این محدودیت ها را نباید محملی برای محدود کردن افق مبارزه قرار داد، به توجیه شرایط پرداخت، نسبت به رژیم و اسلام توهم پراکنی کرد و تاریخ را وارونه نوشت. این استدلالات تلاشی برای جلوگیری از هر نوع نقد به محدودیت های جنبش اصلاح طلبانه و ملی - اسلامی است.

اخیرا در مجادلات و بحث هایی که در میان فعالین جنبش حقوق زن برای یافتن راه کارهای جنبش

روز تداعی شدنش با رادیکالیسم و برابری طلبی است. روزی است که جنبش آزادی زن تمام خواست هایش را با جسارت و مصرانه مطرح میکند. سنت این روز به جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی سوسیالیستی میرسد و همین مساله افق حاکم بر جنبش آزادی زن را گسترش میدهد.

بعلاوه این روز اکنون در ایران تثبیت شده است. بیش از یک دهه جنبش حقوق زن بعزت سرکوب خشن این روز را در خفاء برگزار میکرد. اکنون چندین سال است که جامعه ایران در این روز ملتهب است. در شهرهای مختلف مراسم 8 مارس برگزار میشود. از یکی دو ماه پیش از 8 مارس رژیم نیز به استقبال این روز میرود. برای عموم مردم ایران این روز شناخته شده است. بطوریکه سال گذشته رهبران جنبش ناسیونالیست پرو غرب و ملی - اسلامی مجبور به قبول این واقعیت شدند و روز 8 مارس را رسما به زنان تبریک گفتند. این یک دستاورد جنبش آزادی زن است. و این دستاورد را باید پاسداری کرد.

ضمنا 8 مارس اکنون بطور ویژه ای به تاریخ جنبش آزادی زن در ایران نیز تعلق دارد. 8 مارس 1357 مهمترین روز در تاریخ جنبش حقوق زن در ایران است. در این روز هزاران زن به خیابان ها آمدند و حقوق خود را طلب کردند. این روز شاهد اولین اعتراض وسیع علیه رژیم اسلامی و قوانین اسلامی بود. این روز تولد جنبش حقوق زن در ابعادی نوین و اجتماعی است. 8 مارس برای جنبش آزادی زن در ایران هم از نظر بین المللی و همبستگی بین المللی جنبش آزادی زن و هم از این رو که مهمترین و اولین اعتراض اجتماعی و گسترده زنان در ایران به قوانین اسلامی و حجاب در این روز شکل گرفته است، از نظر تاریخ جنبش آزادی زن در ایران سمبلیک و حائز اهمیت

است.

به این اعتبار جنبش آزادی زن باید همچنین 8 مارس را بعنوان روز همبستگی جنبش آزادی زن باند و این روز را با تمام قوا برگزار کند. جنبش نوین حقوق زن در ایران به سال 1357 برمیگردد و نه به 22 خرداد 1384. این حقیقت را باید برسمیت شناخت و تثبیت کرد. 8 مارس 1357 روز اعتراض و سرپیچی بود. روز اعتراض به حجاب و قوانین اسلامی بود. این دور از مبارزه زنان عملا رژیم اسلامی را برای یک دوره عقب نشانده. لذا طعم پیروزی، هر چند کوتاه را به جنبش آزادی زن چشاند. در تقابل با این اعتراض و تجمعات وسیع زنان در این روز بود که جمهوری اسلامی بدیل تولد فاطمه زهرا را علم کرد. 8 مارس روز مقابله زنان ایران با رژیم اسلامی است.

جنبش ملی - اسلامی اما تلاش میکند 22 خرداد را بعنوان روز همبستگی تحمل، صبر و بردباری زنان و مسالمت جویی آنها در مقابل رژیم اسلامی علم کند. این تلاشی برای عقب نشاندن جنبش رادیکال و آشتی ناپذیر آزادی زن است. باید توجه داشت که حاکم کردن افق تنگ ملی - اسلامی و یا "اصلاح طلبانه ای" که هنوز به بخشی از حکومت امید بسته است بر جنبش حقوق زن و اشاعه صبر، تحمل، بردباری و مسالمت جویی در این جنبش، نسخه ای است برای شکست.

این مساله که فعالین جنبش حقوق زن درست زمانی که 8 مارس توسط دوست و دشمن برسمیت شناخته شده و به یک روز آشنا برای مردم بدل شده است، تصمیم میگیرند که یک روز همبستگی ملی اعلام کنند، در گرامیداشت آن بر صبر، تحمل، بردباری و مسالمت جویی زنان تاکید کنند و در این روز تولد جنبش "مستقل" زنان از احزاب را تبریک گویند، بیانگر تلاش و جهت گیری آنها برای تحکیم افق تنگ "اصلاح طلبانه" ملی - اسلامی بر جنبش حقوق زن است. بنظر میرسد این دوستان





## ارزیابی از جنبش حقوق زن

اصلاح طلبی ملی - اسلامی در مقابل رادیکالیسم جنبش آزادی زن

در حاشیه حرکت 22 خرداد

سخنرانی و پرسش و پاسخ در شبکه پالتاک

**سخنران: آذر ماجدی**

روز: یکشنبه 24 ژوئن 2007 - 3 تیر 1386

ساعت: 9 شب بوقت اروپای مرکزی

ده و نیم شب بوقت تهران

سه بعد از ظهر بوقت شرق آمریکا

**اعتراضات دانشجویی...** است. دانشگاه مازندران در فروردین ماه شاهد تجمعات دانشجویی و بازداشت 15 دانشجوی این دانشگاه بود.

ایزد جابری دانشجوی دانشگاه تفرش و مدیر مسئول نشریه ی توقیف شده ی ایران نو به کمیته ی انضباطی احضار شد. دلیل این احضار به روز شدن مطالب وبلاگ این نشریه ی توقیف شده بوده است. به گفته ی مسئول کمیته کلیه مطالب این وبلاگ می بایست در عرض ۲۴ ساعت حذف شود.

لازم به ذکر است که حکم سابق این دانشجو مبنی بر محرومیت از تسهیلات رفاهی علیرغم اعتراض وی هنوز در پرونده های تجدید نظر دانشگاه مورد بررسی قرار نگرفته است.

سه دانشجوی دانشکده ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی به کمیته انضباطی احضار شدند و یک دانشجوی این دانشکده نیز به یک ترم محرومیت از تحصیل با احتساب در سنوات محکوم شد.

«امیر یعقوب علی» و «عسل اخوان» و یکی دیگر از دانشجویان دانشکده ارتباطات که نخواست نامش فاش شود، به کمیته انضباطی احضار شدند. دانشجوی دیگری که خواست نامی از وی برده نشود، گفت که به یک ترم محرومیت از تحصیل با احتساب در سنوات محکوم شده است.

رئیسین دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه علامه به اتهام حضور در اعتراضات صنفی ماه گذشته در دانشکده حقوق این دانشگاه از سوی کمیته انضباطی به دو ترم تعلیق با احتساب سنوات محکوم شد.\*

## 22 خرداد و جنبش آزادی زن...

دارند به رژیم اسلامی اعلام میکنند که مسالمت جویند، صبور اند، کم خواه و کم توقع اند و به رژیم اسلامی هشدار میدهند که اگر با آنها کنار نیاید، جنبش رادیکال آزادی زن میدان دار خواهد شد و جامعه را زیر و رو خواهد کرد. باید به این دوستان گفت که جنبش اصلاح طلبی ملی - اسلامی یکبار این راه را پیموده و شکست خورده است. راه پیموده را پیمودن خطا است. این افق تنگ را کنار زنید. تامین حتی نیمی از مطالبات زنان به کنار زدن کامل رژیم اسلامی وابسته است.

نقل بخشی هایی از بیانیه مذکور:

"البته ما پیش بینی می کردیم به میزانی که خواسته های حق طلبانه زنان عمومی تر شود به همان میزان واکنش و محدودیت در برابر آن، از سوی برخی از صاحبان قدرت (که این خواست های عادلانه را با منافع خود در تضاد می بینند) گسترش خواهد یافت."

"بسیاری از زنان ایرانی صرفاً به دلیل تفاوت سلیقه در نوع پوشش خود نسبت به معیارهای شخصی برخی از مسئولان، امروز مورد هجوم نیروهای انتظامی قرار می گیرند. اکنون بر اساس گزارش های منتشره تعداد 14635 نفر در مناطق مختلف کشور بازداشت شده و 67 هزار نفر نیز به خاطر پوشش خود تذکر دریافت کرده اند. ابعاد این فاجعه در آن جاست که به نظر می رسد هدف چنین برخوردهای خشونت آمیزی، نهادینه کردن تدریجی ترس در دل زنان از حضور در فضای عمومی است، یعنی خانه نشین کردن زنان در ابعادی به وسعت مرزهای کشور."

> آیا نویسندگان این بیانیه خود بر این نظرند که حمله به "بدحجابان" از اختلاف سلیقه در نوع پوشش ناشی میشود؟ نزدیک به 30 سال است که این رژیم بخاطر حجاب به زنان حمله برده است. اولین اعتراض اجتماعی زنان به این رژیم بخاطر مساله حجاب بوده

است. حجاب به شیشه عمر این رژیم و حمله به بدحجابان به بارومتر سیاسی جامعه بدل شده است و این دوستان از "اختلاف سلیقه" صحبت میکنند. اگر از سرکوب نگران اید بهتر است هیچ نگوئید، تحلیلی ارائه ندهید، تا تحلیلی خلاف حقیقت و توهم آفرین ارائه دهید.

از این آزار دهنده تر این تحلیل است که میگوید "بنظر میرسد" حمله به زنان با هدف "نهادینه کردن تدریجی ترس در دل زنان" انجام میگیرد! این رژیم سمبل خشونت و ارباب است، مهمترین سلاح اش اعمال خشونت و ارباب است. 30 سال است با خشونت و ارباب و اعدام و شکنجه حکومت کرده است و آنگاه این دوستان در بیست و نهمین سالگرد تولد این رژیم تازه از تلاش برای نهادینه کردن ترس صحبت میکنند؟< "ارتقاء آگاهی و گسترش مطالبات زنان و مقاومت مستمر و آرام آنان طی یک سال گذشته در جهت تداوم فعالیت های برابری خواهانه شان در قالب های نوین (به ویژه کمپین جمع آوری یک میلیون امضاء برای اصلاح و تغییر قوانین تبعیض آمیز) و تاثیر بلافصل این فعالیت ها و مقاومت ها بر تصمیم سازان مملکتی (برای نمونه مطرح شدن برابری دیه زنان و مردان در مجلس و طرح افزایش سن مسئولیت کیفری در قالب لایحه تشکیل دادگاه های اطفال) از پیروزی های درخشان و قابل ستایش حرکت رو به جلوی زنان و حاکی از قابل تحقق بودن خواسته های این کمپین مردمی است."

> درباره ارتجاعی بودن مطالبه برابری دیه در نوشته دیگری صحبت خواهم کرد. اما طرح این مطالبه در مجلس اسلامی را بعنوان "پیروزی های درخشان و قابل ستایش" زنان قلمداد کردن یا نشانه عدم درک ظرفیت ها و امیال و خواسته های جنبش آزادی زن است، یا تلاشی برای آرام کردن و تسلیم کردن این جنبش!<

"از یک سو به مسئولان کشور هشدار می دهیم که این برخوردها و خشونت های ناپسندانه برخی از مسئولان امنیتی، کل جامعه را در معرض تنش شدید قرار خواهد داد." (کلیه ایتالیک ها و تاکیدات از من است.)\*

## اعتراضات دانشجویی و گزارشات از برخوردهای وزارت علوم با دانشجویان

کامیار آزاد مهر - تهران

در ماههای اخیر فشار بر دانشگاه و دانشجویان افزایش قابل ملاحظه ای یافته است. گزارشات حاکی است که وزارت علوم در حال تکمیل لیست سیاهی از دانشجویان است که در دوره های مختلف زمانی آنها را به نوعی تحت فشار قرار دهد، با این حال هیچکدام از مسئولین این وزارتخانه تاکنون حاضر نشده اند رسماً این خبر را تایید و یا رد نمایند. اما گزارشات روزهای گذشته نشان از اجرایی این طرح به شکل وسیعی دارد. طوری که تعدادی از فعالین دانشجویی موفق به دریافت کارنامه کنکور کارشناسی ارشد خود نشده اند. لیست ذیل هرچند که ممکن است بر اثر تحرکات شدید این وزارتخانه در حال حاضر تغییراتی کرده باشد، با این حال گستردگی آن در کلیه دانشگاههای شهر تهران به تنهایی نشان دهنده شدت این رفتار وزارت علوم در قبال دانشجویان فعال دارد.

### احکام صادر شده اخیر توسط کمیته انضباطی دانشجویان:

۱ بیژن پور یوسفی: ۲ ترم تعلیق قطعی و محرومیت از کلیه امکانات رفاهی و خوابگاه تا پایان تحصیلات ۲- اسماعیل سلمانپور: ۱ ترم تعلیق قطعی، ۲ ترم تعلیق معلق، محرومیت از کلیه امکانات رفاهی و خوابگاه تا پایان تحصیلات ۳- سجاد ویس مرادی: ۲ ترم تعلیق قطعی و محرومیت از کلیه امکانات رفاهی و خوابگاه تا پایان تحصیلات ۴- علی صابری: ۱ ترم تعلیق قطعی ۵- صدیقی بیگدلی: محرومیت از تسهیلات رفاهی تا پایان تحصیلات (معلق) ۶- عباس حکیمزاده: ۲ ترم تعلیق قطعی ۷- بابک زمانیان: ۳ ترم تعلیق قطعی و محرومیت از خوابگاه ۸- بهزاد حیدری: ۱ ترم تعلیق قطعی ۹- ابراهیم رحمانی: ۱ ترم تعلیق قطعی ۱۰- احسان معزی: ۲ ترم تعلیق قطعی و محرومیت از کلیه امکانات رفاهی و خوابگاه تا پایان

تحصیلات ۱۱- آرمان صداقتی: ۱ ترم تعلیق قطعی.

### دانشجویان احضار شده با دادگاه انقلاب:

۱- سهیل ضیایی ۲- مجید توکلی ۳- اصغر سپهری ۴- مجید شیخپور ۵- پویان محمودیان ۶- احسان منصوری.

### اسامی افرادی که به کمیته انضباطی احضار شده اند:

۱- نیما گرشاسبی ۲- کوروش دانشیار ۳- ناصر پویافر ۴- زهره ایرانمنش ۵- سجاد ویس مرادی ۶- بیژن پوریوسفی ۷- مهدی سعیدی پور ۸- احسان معزی ۹- رضا بلباسی ۱۰- نریمان مصطفوی ۱۱- مهیار عبدالصمدی ۱۲- فهیمه ضیایی ۱۳- آرمان صداقتی ۱۴- حامد فخاریزاده ۱۵- آرش آرمون ۱۶- محمدرضا سرلک ۱۷- سهیل ضیایی ۱۸- موفق کاتب ۱۹- مجتبی کلانتری ۲۰- هادی پلاور ۲۱- اصغر سپهری ۲۲- مهدی کریمی ۲۳- سعید هادیزاده ۲۴- اسماعیل سلمانپور ۲۵- سامان خسروی ۲۶- وحید قادری ۲۷- مازیار کریمی ۲۸- عباس حکیمزاده ۲۹- مهسا مهرداد ۳۰- مصطفی غفوری ۳۱- علی کارگر ۳۲- ابراهیم رحمانی ۳۳- علی صابری ۳۴- پدرام رفعتی ۳۵- محمد یوسف رشیدی ۳۶- بهزاد حیدری ۳۷- مریم شعبانی ۳۸- محسن بهرمانی ۳۹- بهنام خوجم لی ۴۰- احمد قصابان ۴۱- مجید توکلی ۴۲- پویان محمودیان ۴۳- مجید شیخپور ۴۴- مقداد خلیلیپور ۴۵- مهدی عباسی ۴۶- علی عزیزی.

### دانشجویان ممنوع ورود:

۱- آرمان صداقتی ۲- ابراهیم رحمانی ۳- علی عزیزی ۴- احسان منصوری ۵- هادی باقری ۶- مجید توکلی ۷- بابک زمانیان

۸- اسماعیل سلمانپور ۹- احسان معزی ۱۰- پدرام رفعتی ۱۱- محمد یوسف رشیدی ۱۲- احمد قصابان ۱۳- علی صابری ۱۴- عباس حکیمزاده ۱۵- متین مشکی ۱۶- و همچنین فارغالتحصیلانی که عضو انجمن اسلامی دانشجویان بوده اند از جمله یاشار قاجار، مسعود دهقان، سیدرضا دلبری، سیدحمید طباطبایی و ... مدتهاست که ممنوع ورود به دانشگاهها هستند.

### همچنین دانشجویان زیر از دانشگاه صنعتی امیرکبیر در زندان به سر میبرند:

#### دانشگاه امیرکبیر

بابک زمانیان، از فعالان دانشجویی دانشگاه امیرکبیر با وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شد. وی در مراسمی که به مناسبت روز دانشجو در دانشگاه پلی تکنیک در ۲۰ آذر سال گذشته برگزار شد و شرکت داشت توسط نیروهای امنیتی ربوده شده و تا روز دوشنبه ۷ خرداد ۳۸ روز در سلول انفرادی زندانی بود.

#### دانشگاه علامه

دانشجویان دانشگاه علامه روز یکشنبه ۳۰ اردیبهشت با برگزاری تریبون آزاد، انتخابات انجمن دانشجویی را انجام دادند. بعد از برگزاری این انتخابات علیرضا ارشادی فرد، علیرضا موسوی، مجید دری، ماندانا چتر چی، حمیده حسینی و امیر حسین ایرجی به کمیته انضباطی احضار و از ورود به دانشگاه منع شدند. همچنین در دانشکده اقتصاد با شرکت ۴۰۰ دانشجو و دانشکده علوم اجتماعی با شرکت ۵۰۰ دانشجو، اقدام به برپایی تجمعاتی در اعتراض به سیاست های مسئولین دانشگاه کردند. در این تجمعات نیز آیدین اخوان، مهدیه گلرو و مازیار سمیعی و مریم سید کریمی، صادق شجاعی، امیر یعقوبعلی، عسل اخوان و فرهنگ سلامی

از ورود به کلاس های درس منع شدند.

### دانشکده روانشناسی و حقوق و علوم سیاسی

روز دوشنبه ۳۱ اردیبهشت دانشجویان دانشکده روانشناسی و حقوق و علوم سیاسی اقدام به برپایی تجمع اعتراضی کردند و نیروی انتظامی به کمک یگان ویژه از پیوستن دانشجویان سایر دانشکده ها به آنان جلوگیری کرد.

### دانشگاه بوعلی

دانشجویان دانشگاه بوعلی در همدان در اعتراض به کارشکنی های مسئولین دانشگاه در انتخابات انجمن دانشجویی این دانشگاه روز چهارشنبه دوم خرداد اعتصاب غذا کردند.

در سایر دانشگاه ها به خاطر برخورد با امتحانات تقریباً جو آرام می باشد اما ماه تیر به طبع نمی تواند ماه آرامی باشد. مخصوصاً با اوضاعی که در ماه مارس حادث شده و بگیر و ببند های پلی تکنیک که خشم دانشجویان را برانگیخته است. به نظر من جمع شدن دور پرچم لغو کمیته انضباطی بهترین کاری است که می شود کرد، زیرا الان خشم جامعه دانشجویی به این سمت متمرکز شده است. همچنین حکومت نیز آن را یک رکن اساسی در زنده نگاه داشتن دستاوردهای "انقلاب فرهنگی" خود می داند. لاجرم تقابل این 2 موضوع باعث بوجود آمدن جو رادیکال در ماه تیر خواهد شد.

### ۹ دانشجویی دانشگاه مازندران به کمیته انضباطی احضار شدند

«میلاد معینی»، «حامد محمدی»، «آرش پاکزاد»، «صادق حکیم زاده»، «سارا خادمی» و «مرضیه شفیعی» به همراه سه دانشجویی دیگری که مایل به اعلام نام خود نیستند، به کمیته انضباطی احضار شده اند. اتهام این افراد شرکت در تجمعات دانشگاه مازندران

## سیاسی - طنز

سعید مدانلو



## ده دلار بدهید افتخار ببرید!

اینطور که پیداست کمپانی هالیودی که فیلم ۳۰۰ را ساخته از بابت فروش آن کلی پول به جیب زده.

کوفت کمپانی‌شان بشود! این پول توی سرشان بخورد! افتخارات عده ای که همه زندگی شان عظمت دربار پادشاهان کشورگشای دوره دقیانوس و شکوه جلال تخت جمشید است را که این روزها اسلام ناب محمدی اش با همه چماق و شلاق و زندان و شکنجه به نفس نفس افتاده، مدعی دفاع از عظمت‌های قبل از اسلام آن مملکت هم شده گرفته تا عظمت طلبان آریائی بابت این "توهین فجیع" مقدار معتناهی احساسات جریحه دار شده ملی-میهنی به خرج داده اند!

البته از حق نگذریم میزان جراحات احساسی آریا اجدادهای خلص ما که DNA شان بنا به تحقیقات پیشرفته ترین مند های آزمایشگاهی با شاهنشاه خشایارشا یکی از آب در آمده به مراتب بیش از آنی است که دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی از خودش بروز داده! حالا همه این توهینها به کنار، یک عده اجنبی صفت مغرض و دشمن عظمت‌های روی زمین مانده ما شایعه کرده اند که DNA صدام حسین و فامیلش علی شیمیایی هم با شاهنشاه های هخامنشی که توی باغهای معلق بابل عیش و نوشهای با شکوه راه می انداختند یکی از آب در آمده! احمدی نژاد میخواست پای خمینی را هم توی این قضیه به میان بکشد که دستش رو شد، چون خوشبختانه از قبل وطن پرستهای دو آتسه دیگر معلوم کردند که خمینی با ایل و تبارش همگی از هند آمدند!! روی این حساب این جماعت برای باز گرداندن "افتخارات تاریخی و غرور از دست رفته مردم بیش از ۸۰

هویت ملی، ملت سازی و تقسیم جوامع به خریدار و فروشنده نیروی کار، هر کدام برای مدتی نوبت خود را داشته اند. مردم اقوام مغلوب که تکلیفشان معلوم بود. جز بردگی و زندگی شاق و بی نصیبی مطلق از مواهب زندگی در طول عمر کوتاه یک به یکشان، تاریخ خبر دیگری از آنها نداده است. مردم قبایل غالب هم زندگی‌شان دست کمی از همان قبایل مغلوب نداشت. یا داشتند برای اربابانشان شمشیر میزدند، میکشند و کشته میشدند و یا روی زمینها و قناتهای شاهها و شاهلی خانها جان میکندند.

داریوش اول در ابتدای حکومتش شانزده منطقه تصرفی هخامنشیان را که سر به شورش برداشته بودند به شدت سرکوب کرد، سر فرماندهان شورشی را به دروازه شهرهایشان آویخت و داستان پیروزیهایش را در بیستون نقش بر سنگ نمود. خشایارشا برای حمله به یونان از تمامی مناطق وسیع حکومتش هر مردی را که میتوانست شمشیر و تیرکمانی بر دارد به جنگ برد. در تنگه ترموپیل امواج پایان ناپذیر انسانی که شاهنشاه عظیم الشان به اندازه نیزه دستشان هم برایشان ارزش قائل نبود با نثار جانشان صف مدافعین را در هم شکستند تا سر تاجدار ملوکانه به سلامت به آتن برسد، معبد پارته نان را آتش بزند و دل مبارکش را خنک کند!

حالا این ناسیونالیستهای آریایی مسلک از یک طرف و پان ترکیست ها با افتخارات اجداد سلحشور خاص خودشان از طرف دیگر، هر کدام میخواهند افتخارات پوسیده زیرخاکیشان را دوباره زنده کنند!

لطفاً به سایت

[www.youtube.com](http://www.youtube.com)

ویدیو کلیپ - Yas feat. Amin

Man hoviaterاجعه کنید.

واقعاً تا این درجه عقب افتاده بودن و خاک بوسیدن دیگر نوبر است! این افتخار نیست. این نباید هویت جوان امروز باشد.

شخصی که در مقابل یک اثر باستانی به خاک بوسه میزند، یا از روی ناگاهی خود فریبی میکند و خودش را توی این دنیا حقیر و ناچیز فرض میگیرد یا دانسته عمل میکند و به دنبال فریب مردم است.

کسی مخالف نگهداری و مرمت آثار باستانی هیچ کجای دنیا نیست. اینها آثار بجا مانده از تاریخ بشر است. داستان زندگی مشقت بار بردگان نیست که زیباترین و با شکوهترین کاخها را برای فرماندهان و صاحبان سر زمینهای وسیع ساخته اند. دیوارهای تخت جمشید منقوش به نقش برجسته صف طویل نمایندگان قبایل تحت سلطه ایست که دارند گاو و گوسفند و شتر و بزغاله برای شاه هدیه میبرند. دانستن و به تماشا رفتنشان خالی از فایده نیست. کسب اطلاعات و دانش در مورد تاریخ مردمی که جای جای کره زمین آمده اند و زیسته اند و رفته اند و آثاری از خود بجای گذاشته اند البته میتواند بسیار هم شوق انگیز و آموزنده باشد. منتها افتخارهای کاذب تراشیدن از آنها برای مردم و دشمن جعلی برایشان درست کردن، چیزی به جز یک کلاهبرداری سیاسی، به جان یکدیگر انداختن مردم و در نهایت سر کار آوردن حکومت‌هایی که خون مردم را توی شیشه میکنند نیست. امروزه روز آن انسانی باید به وجود خود افتخار کند که بتواند در متشکل کردن و همبستگی انسانهای معترض و محروم از نعمات زندگی اجتماعی و دنیوی خود را سهیم کند.

همبستگی و تشکیلی که برای به زیر کشیدن مافیای جمهوری اسلامی و تامین رفاه و آزادی آحاد جامعه به مثابه ضرورت بلا فصل امروز زندگی به مبارزه دعوت‌مان میکند. این افتخاریست که اتفاقاً میتوانیم در طول زندگی همین امروز و فردایمان نصیب خود کنیم. آن انسان شریفی که نتواند ادبار و بی حقوقی همنوعانش را تحمل کند و برای تغییر واقعیات تلخ امروز زندگی بشر زحمت آموختن راه یک مبارزه مؤثر را به خود هوارمی سازد، هیچگونه نیازی به هویت و افتخارات کاذب ناسیونالیستی نخواهد داشت.\*

## قطعنامه اتحادیه های کارگری در دفاع از حقوق پایه ای کارگران در ایران

ما نمایندگان اتحادیه های کارگری:

۱- رژیم جمهوری اسلامی را به خاطر نقض حقوق پایه ای و شناخته شده کارگران و دستگیری و زندان و سرکوب فعالین کارگری محکوم میکنیم.

۲- ما رژیم جمهوری اسلامی را به خاطر دستگیری و اخراج دهها هزار کارگر افغانی مقیم ایران محکوم میکنیم.

۳- ما رژیم جمهوری اسلامی را به خاطر سرکوب زنان و جوانان و تحمیل حجاب اسلامی محکوم میکنیم.

۴- ما رژیم جمهوری اسلامی را به خاطر عدم پرداخت دستمزدهای کارگران محکوم میکنیم.

۵- ما رژیم جمهوری اسلامی را به خاطر تحمیل فقر و فلاکت و بی حقوقی به مردم کارگر محکوم میکنیم.

ما نمایندگان اتحادیه های کارگری اعلام میکنیم که :

۱- خواهان حق بی قید و شرط اعتصاب و تشکل برای کارگران در ایران هستیم.

۲- خواهان متوقف کردن فوری اخراج کارگران مهاجر از ایران هستیم. ما خواهان برسمیت شناختن حق کار و شهروندی کامل برای تمام کارگران مهاجر هستیم.

۳- خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط محمود صالحی از فعالین سندیکای خبازان سقر هستیم.

۴- خواهان آزادی بی قید و شرط سیاسی، بیان، عقیده، مطبوعات، جمع و تحزب در ایران هستیم.

۵- خواهان افزایش فوری دستمزد کارگران و تعیین آن بر مبنای یک زندگی انسانی هستیم. ما از خواست کارگران فلز کرمانشاه مبنی بر حداقل دستمزد ۶۰۰ هزار تومان در ماه حمایت میکنیم.

۶- خواهان آزادی کلیه دستگیر شدگان اعتراضات دانشجویی هستیم. ما خواهان آزادی فوری تمامی زندانیان سیاسی هستیم.

۷- تصویب میکنیم که سران رژیم جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه کارگران و مردم در ایران باید محاکمه شوند.

### اتحادیه کارگری در آمریکا :

اتحادیه کارگران شهرداری (لوکال ۲۶۲۰)، اتحادیه کارکنان حرفه ای و مهندسی، اتحادیه کارگران نجاری (لوکال ۲۰۹)، اتحادیه بین المللی کارگران خدمات (لوکال ۶۶۰)، فدراسیون شوراهای کارگران لس آنجلس، اتحادیه کارگران حمل و نقل و (لوکال ۵۰۲)، اتحادیه کارگران فولاد آمریکا (لوکال ۳۳۸)، کنگره سازمانهای صنعتی و فدراسیون کار آمریکا (شعبه لس آنجلس)، فدراسیون معلمین آمریکا (لوکال ۱۰۲۱)، اتحادیه کارکنان سینما و تئاتر (لوکال ۷۲۸)، اتحادیه کارگران ماشین سازی (لوکال ۹۴)، اتحادیه کارگران مواد غذایی (لوکال ۷۷۰)، اتحادیه کارگران مخابرات (لوکال ۹۰۰۰)، اتحادیه کارگران متال (لوکال ۱۰۰۸)، اتحادیه کارگران نساجی (لوکال ۲۲۹۷)، اتحادیه کارگران نجار (لوکال ۴۰۹)، اتحادیه کارگران ماشین سازی (لوکال ۱۱۸۶)، اتحادیه کارکنان هتل و رستوران (لوکال ۱۱۸۴)، اتحادیه کارگران بارانداز (لوکال ۱۷۱۰)، اتحادیه کارگران شستشو (لوکال ۵۲)، اتحادیه کارگران ساختمانی (لوکال ۱۱۷۰)\*

## منصور حکمت در دفاع از محمود صالحی



"زندانی سیاسی محمود صالحی، کارگر مبارز و حق طلب و یکی از رهبران اصلی کارگران خباز در کردستان در سیاهچالهای رژیم اسلامی در شرایط بسیار نامناسب جسمی اسیر است. دفاع از محمود صالحی، البته امر آزادیخواهان نیمه وقت و "گزینشی" در رسانه ها و نهادهای جنبش بین المللی دیالوگ تمدنها و حتی سازمانهای چپ خجالتی و مرعوب شده ایران که می پندارند قدرت تا ابد از لای عمامه و بیت آیات عظام و برنامه شامگاهی و شبانگاهی بی بی سی بیرون می آید نیست. اما قدرتی به مراتب عظیم تر پا به میدان دفاع از محمود صالحی گذاشته است. جنبش جهانی طبقه کارگر. از اتحادیه های کارگری اروپا و آمریکا و استرالیا و ژاپن، تا کارگران سقر و سنندج. جمهوری اسلامی با دستگیری محمود صالحی، و محمود صالحی هایی که یکی پس از دیگری از این پس به میان میدان مبارزه در ایران پا میگذارند، کار خود را خراب تر میکند. هر تعرض به رهبران کارگری در ایران با انبوه تر شدن صف اعتراضی مستقل کارگران در ایران و رشد جنبش همبستگی بین المللی کارگری پاسخ خواهد گرفت. این هم جنبش حقوق بشر ماست."

### طرح آرایش رهبری حزب اتحاد کمونیسم کارگری

کمیته مرکزی عالی ترین ارگان رهبری حزب در فاصله دو کنگره است که اعضای آن در هر کنگره انتخاب میشوند.

پلنوم کمیته مرکزی دبیر کمیته مرکزی و دفتر سیاسی را انتخاب میکند. دفتر سیاسی ارگان سیاسی - اجرایی رهبری حزب است که به کل فعالیتهای حزب در فاصله دو پلنوم نظارت دارد. تعداد اعضای دفتر سیاسی در هر دوره نباید از نصف کمیته مرکزی بیشتر باشد. دفتر سیاسی نهادهای ستادی و ستونی و ارگانهای حزبی را از میان اعضای کمیته مرکزی و کادرهای حزب سازمان میدهد. دفتر سیاسی هر دو هفته یکبار جلسه دارد و کلیه طرحها و تصمیمات حزبی باید قبل از اجرا به تصویب دفتر سیاسی برسند.

دفتر سیاسی از میان اعضای خود "هیات دایر دفتر سیاسی" را انتخاب میکند. هیات دایر دفتر سیاسی وظیفه رهبری سیاسی - تشکیلاتی روزمره حزب را بعهده دارد. تعداد اعضای هیات دایر دفتر سیاسی نباید از نصف دفتر سیاسی بیشتر باشد.

### هیات دایر دفتر سیاسی حزب تعیین شد

دفتر سیاسی حزب اتحاد کمونیسم کارگری در اولین جلسه خود رفقا علی جوادی، سیاوش دانشور و آذر ماجدی را به عضویت هیات دایر دفتر سیاسی انتخاب نمود.

از سایت و وبلاک حزب دیدن کنید؛

[www.for-abetterworld.com](http://www.for-abetterworld.com)

<http://for-abetterworld.blogfa.com>



## گزارشی از آزادی شیث امانی

سیامک مرادی - سنندج

آزاد شود. اخبار همه جا پخش است کارگران نساجی که شیث امانی از رهبران آنها بوده در کارخانه به هم تبریک می گویند که امروز دیگر آزاد می شود و تصمیم می گیرند که دسته جمعی شیفتی که کار می کند بعدا به ملاقات شیث بروند. این مدت اخبار لحظه به لحظه فعالین دستگیر شده در کارخانه به گوش می رسد. و اینکه مگر ما کارگران چه گناهی مرتب شده ایم که باید زندانی شویم. در مقابل زندان خانواده های کارگران به همراه خانواده شیث امانی، تعدادی از کارگران از المومین، شاهو، نساجی و تعدادی از کارگران سایر بخشها تجمع می کنند تا آزادی شیث را جشن بگیرند. انعکاس آزادی صدیق کریمی فعال کارگری در سطح شهر سنندج امروز تجمع بیشتری را جمع کرده است. در مقابل زندان مسئولین هراس دارند که هر دم این جمعیت بیشتر شود. مامورین اعلام می کنند تا زمانی که تجمع شما در مقابل زندان باشد ما شیث امانی را آزاد نخواهیم کرد! مگر می شود این جمعیت را پراکنده کرد و به خانه فرستاد؟ 22 روز است شیث امانی در زندانهای اطلاعات و زندان مرکزی شهر سنندج به جرم شرکت در اول مه در زندان است. جمعیت پراکنده نمی شوند. نمایندگان کارگران مابین زندان و جمعیت در رفت و آمد هستند. بلاخره می خواهند دقیقا بدانند چه ساعتی شیث از زندان آزاد می شود.

کارگران اماده هستند. خانواده های کارگری خانواده شیث را حلقه زده اند. در دست داشتن دسته ها و شاخه های گل نوید از اراده کارگران می دهد. شیث امانی بلاخره پس از 42 روز با قرار وثیقه 50 میلیونی در 22 خرداد آزاد شد.

شیث

صفحه ۱۰

آزادی صدیق کریمی فعال کارگری و از اعضای هئیت مدیره اتحادیه در روز 20 خرداد مهممه و شادی را در میان مردم ایجاد کرده بود. بخصوص قدرت متشکل کارگران که می تواند هر سیاست رژیمهای سرکوبگر و دیکتاتور را به زانو در بیاورد تجربه کرده بودند. صدیق در میان شادی مردم بر دوش گرفته شد. وی را گل باران کردند و غرقه در بوسه و شادی مردمی بود که 40 روز در انتظار آزادی فعالین کارگری و تلاش و مبارزه بی وقفه بودند. صدیق آزاد شده بود اما شیث امانی دبیر اتحادیه هنوز آزاد نشده بود. ظاهرا بهانه رژیم این بود که ایشان در خانه اش موقع تقشیر ماهواره کشف شده است! هر چند امروز داشتن ماهواره در منازل مردم عادی است و تقریبا می توان گفت اکثریت مردم نه تنها در شهر سنندج بلکه در ایران ماهواره دارند. شیث روز 20 خرداد ماه آزاد نشد. خشم مردم و کارگران و خانواده هائی که در این روز منتظر آزادی شیث امانی بودند بیش از پیش شده بود. کارگران در کنار جشن و سرور آزادی صدیق کریمی می گفتند اجازه نخواهیم داد شیث بیش از این در زندان باقی بماند.

روز 21 خرداد روز پر تلاش تر برای کارگران و فعالین اتحادیه بود. برای آزادی شیث امانی در این 41 روز فعالین کارگری و مردم شریف بی دریغ برای آزادی فعالین و رهبران خود تلاش می کردند. ناچار شدند بجای وعده صریحا بگویند شیث آزاد میشود. اراده قوی کارگران کار خودش را کرده بود. در این روز اعلام شد که فردا شیث امانی آزاد خواهد شد. صبح روز 22 خرداد کماکان کارگران و اعضای هئیت مدیره اتحادیه جویای آزادی شیث بودند. چه ساعتی و کی شیث را آزاد می کنند؟ ساعت 13 قرار است شیث



قربانیان خود را در شکل بی خانمانی، محرومیت، اسارت در چنگال اعتیاد کننده، اجبار به تن فروشی و نابود شدن خانواده های کارگری نشان میدهد، عدم پرداخت حقوق و مزایای ناچیز کارگری یک جنایت آشکار رژیم اسلامی علیه طبقه کارگر است. ابعاد این جنایت وسیع و گسترده است. بیش از یک میلیون کارگر حقوق و مزایای ماهانه خود را دریافت نکرده اند.

### مردم آزادیخواه، دانشجویان برابری طلب!

از اعتراضات و خواستهای بر حق کارگران نیشکر هفت تپه دفاع کنید. پرداخت فوری تمامی حقوق و مزایای کارگران، افزایش حداقل دستمزدها تا سطح یک زندگی شایسته انسان قرن بیست و یکم، برخورداری از حق تشکل، بیان و آزادی اعتصاب از جمله خواستهای فوری و بر حق کارگران است. کانونهای همبستگی با جنبش کارگری تشکیل دهید. صندوقهای کمک به اعتصابات کارگری را ایجاد کنید. هر پیشروی کارگر، پیشروی جامعه علیه کلیت این شرایط سیاه و ضد انسانی و گامی در خلاصی از شر رژیم اسلامی و نظام سرمایه داری است.

### زنده باد اتحاد و همبستگی کارگری!

### مرگ بر جمهوری اسلامی!

### زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!

### زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

### حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۴ خرداد ۱۳۸۶ - ۱۴ ژوئن ۲۰۰۷

### تهاجم رژیم اسلامی به کارگران نیشکر هفت تپه را محکوم کنید!

### کارگران نیشکر هفت تپه با تداوم اعتصاب خود پاسخ سرکوبگری رژیم اسلامی را میدهند

سه هزار تن از کارگران نیشکر هفت تپه در سومین روز خود اعتصاب خود، در ۲۳ خرداد، مورد تهاجم وحشیانه نیروهای انتظامی رژیم اسلامی قرار گرفتند. کارگران نیشکر هفت تپه که به علت عدم پرداخت حقوق و مزایای خود در سه ماه گذشته دست به اعتصاب زده بودند در مقابل درب ورودی کارخانه مورد حمله و ضرب و شتم بیش از ۱۰۰ تن از نیروهای سرکوب رژیم قرار گرفتند. چند تن از کارگران دستگیر شدند. کارگران معترض اعلام کرده اند که دیگر وقعی به وعده و وعیدهای توخالی کارفرما نخواهد گذاشت و برای دریافت مطالبات برحق خود به اعتصاب و اعتراض ادامه خواهند داد. کارگران دستگیر شده پس از مدتی آزاد شدند.

سرکوب، دستگیری و زندانی کردن کارگران معترض و حق طلب یک سیاست همیشگی رژیم ضد کارگری اسلامی بوده است. سرمایه داری در ایران بدون سرکوب خشن قادر به بقا و سود آوری نیست. فقر و فلاکت گسترده یک محصول اجتناب ناپذیر سرمایه داری در ایران است. اما سیاست سرکوب رژیم اسلامی قادر به متوقف کردن اعتراضات کارگری نشده است. در شرایطی که فقر و فلاکت تحمیل شده به کارگران و مردم محروم هر روز

### نامه ها ...

- در مورد دلایل رشد بسیار سریع شوری سابق و سقوط آن برابمان توضیح دهید. - در مورد انقلاب سال پنجاه و هفت از زبان آخوند ها زیاد شنیده ایم. حالا نوبت شماست. - انحلال دولت بعد از انقلاب به چه معناست؟

### سروش آزادی عزیز،

پاسخ این سوالات را باید کمی مفصل داد و اجازه دهید به شماره بعد واگذار کنیم. علی الحساب و در مورد انقلاب ۵۷ پیشنهاد میکنم مقاله مشهور تاریخ شکست خوردگان منصور حکمت را بخوانید. این نظر و تبیین کمونیسم کارگری در مورد حقیقت انقلاب ۵۷ است. موفق باشید.

## مراسم دفاع از حقوق کودک در مریوان

گزارش ارسالی از محمد و نیکان

امسال این سومین مراسم دفاع از حقوق کودک بود که در مریوان برگزار می شود. این بار فعالین و مدافعین حقوق کودک تصمیم داشتند در منطقه ای این مراسم را برگزار کنند که محله فقر نشین بود. از همان ساعت اولیه روز جمعه ۲۵ خرداد فعالین در سطح شهر در جنب و جوش بودند. همانگونه که تقسیم کار شده بود. هر فرد و هم تیمی تلاش می کرد مسئولیت خود را به بهترین وجه پیش ببرد. در سطح شهر خبر از برگزاری مراسمی در دفاع از حقوق کودکان است. از ساعت یک برگزارکنندگان در محل برگزاری مراسم تجمع کردند. همه تلاش داشتند به بهترین شکل این مراسم را برگزار کنند. محل ایستگاه نقاشی کودکان آماده می شود. صندلی ها به شکل مرتبی چیده می شود. هر کدام با حساسیت و سلیقه زیادی تلاش داشتند به بهترین شکل محل را تزئین کنند. پلاکاردها در اطراف و محل برگزاری نصب شده بوده بود. کار برای کودکان ممنوع! کودک از آزاری ممنوع! اعدام کودکان ممنوع! آموزش بهداشت و درمان رایگان شادی و رفاه حق کودکان است.

با نزدیک شدن وقت مقرر مردم به سوی محل مراسم سرازیر می شوند. اکثریت جمعیت تشکیل دهنده این مراسم کودکان بودند. در کنار بازی و سرگرمی برای کودکان و در میان پدر و مادران، تعداد قابل ملاحظه ای از جوانان حضور داشتند. حدود ساعت ۵ بعد از ظهر برنامه رسماً با خوش آمدگویی نازی سعید آغاز شد. میکروفون در میان تعدادی از

گزارشی از آزادی شیث امانی، سیامک مرادی ....

امانی در میان جمعیتی که به استقبال او آماده بودند باران شد. صمیمانه شیث را در آغوش می گرفتند. احساس می کردی شیث امانی آماده چنین استقبالی نبود. حضور مادران در میان جمعیت و اشک شوق نشان همبستگی انسانی کارگران بود. ماشینها بوق می زدند، گاها سری از یک ماشین بیرون می آمد و هورا می کشید. تلفنهای یک لحظه امان نمی داد. همه جا در این بعد از ظهر دیر وقت صحبت از آزادی شیث امانی آخرین دستگیر شده مراسم اول ماه مه بود.

هادی زارعی از اعضای هیئت مدیره اتحادیه از میان جمعیت برخاست و از حضور مردم و کارگران قدردانی کرد و گفت؛ قدردانی من از تمامی انسانهایی است که در این ۴۲ روز ما را تنها نگذاشتند و لحظه به لحظه ما را حمایت کردند و برای آزادی دستگیر شده ها از هیچ کمکی دریغ نکردند. من از همه شما قدر دانی می کنم.

شیث امانی صدیق کریمی و جعفر عظیم زاده نیز در میان جمعیت

صحبت کردند. آنها ضمن قدردانی از عموم کسانی که برای آزادی دستگیر شده ها تلاش و مبارزه کردند افزودند که برگزاری روز اول مه و ۴۲ روز مبارزه و تلاش سرسختانه برای آزادی دستگیر شده ها تنها در گروه اتحاد ما بود. این تجربه ای تازه برای جنبش کارگری بود. بی شک اتحادیه دارای ضعفهایی بود اما اتحادیه نشان داد کارگران باید تشکل خود را داشته باشند تا حقوق پایمال شده خود را باز پس گیرند. تاکید سخنرانان بر اتحاد و همبستگی بود و اینکه باید اتحادیه را به تشکلی برای همه کارگران تبدیل کنیم که در ابعاد چند ده هزار نفر عضو آن بشوند.

تا دیر وقت شب هنوز در منزل شیث امانی جمعیتی حضور داشتند که مشتاق دیدار با رهبران خود بودند. امروز وقتی این گزارش را می نویسم هنوز مردم برای دیدار به منزل فعالین کارگری می روند و هنوز فعالین کارگری و اعضای اتحادیه دارند این پیروزی را مزه مزه می کنند. به امید روزی که انسان برای اعاده حق و دفاع از حرمتش زندانی نشود. \*

شرکت کنندگان می گشت و هر کدام این روز به هم شاد باش می گفتند و از حضور شرکت کنندگان قدردانی می کردند. در فضائی شاد همراه با موسیقی و روحیه بشاش مردم، این کودکان بودند که ساعتی را در میان هم سن و سالهای خود رویاهای خود را با رنگها به تصویر می کشیدند. صدای موسیقی همه جا را گرفته بود. اما صدای شادی کودکان برای شرکت کنندگان لذت بخش تر بود.



در این مراسم قطعنامه ای نیز تصویب شد؛

ما همه شرکت کنندگان در فستیوال "بگذار زندگی کنم" مطالباتمان را به شرح ذیل اعلام و برای تحقق آن همواره می کوشیم.

- ۱- تامین فوری امنیت، مسکن و رفاه برای همه کودکان بی پناه و خبیابانی.
- ۲- آموزش و پرورش رایگان برای همه کودکان.
- ۳- بهداشت و درمان رایگان برای همه کودکان.
- ۴- ممنوعیت بهره کشی از کودکان.
- ۵- ممنوعیت انجام کار حرفه ای برای کودکان زیر ۱۸ سال.
- ۶- تامین امنیت، آسایش و رفاه، برخورداری از یک زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان.
- ۷- ممنوعیت هرگونه مقررات و قوانینی که موجب خشونت و سختی بر کودکان است.
- ۸- تامین امنیت، بهداشت و آموزش و پرورش برای کودکان پناهنده، لغو مقررات و قوانین اجباری اخراج کودکان مهاجر از ایران و لغو مقرراتی که باعث محرومیت کودکان پناهنده افغانی و عراقی از تحصیلات و امنیت و زندگی اجتماعی می شود.
- ۹- ممنوعیت اعدام در جامعه و ممنوعیت حکم حبس و شلاق

برای کودکان زیر ۱۸ سال.



۱۰- به رسمیت شناختن حق برابر برای دختر و پسر در برخورداری از حق ارث و دیگر حقوق مدنی و اجتماعی.

۱۱- ممنوعیت بهره کشی از کودکان و نوجوانان کول بر شهرهای مرزی و تامین امنیت و زندگی برای آنها و محاکمه عاملان خشونت بر نوجوانان کول بر.

۱۲- جمع آوری مین ها از محل کار و زندگی کودکان روستاهای مرزی و پرداخت غرامت به آسیب دیده گان و قربانیان ناشی از انفجار مین.



شرکت کننده گان در فستیوال و میتینگ " بگذار زندگی کنم" شهر مریوان ۲۵ خرداد ۱۳۸۶

تصاویری از راهپیمایی و مراسم به مناسبت ۱۲ ژوئن روز جهانی لغو کار کودک برگزار شده توسط کانون "تلاش برای جهان شایسته کودکان"





## نه به مدارس مذهبی!

به کمپین يك سیستم آموزشی برای همه ببیونید!

کودکان و آموزش مذهبی آنان باشد.

کمپین يك سیستم آموزشی برای همه سر آغاز دور جدیدی از فعالیت‌های خود کنفرانس مطبوعاتی در مجلس ایالتی انتاریو، کوئینز پارک در روز پنج شنبه ۲۱ ژوئن خواهد داشت تا ضمن نقد و افشای سیستم آموزش مذهبی، طرح و مطالبات خویش جهت ایجاد يك سیستم واحد آموزش عمومی را به اطلاع عموم و نمایندگان مجلس برساند. در این کنفرانس مطبوعاتی نماینده گروه‌های مختلف و رسانهای عمومی محلی و سراسری شرکت خواهند داشت. از جمله سخنرانان این کنفرانس هما ارجمند از فعالین حقوق کودکان و سخنگوی نه به دادگاه‌های اسلامی در کانادا خواهد بود.

در اینجا از همه کسانی که مخالف آموزش مذهبی کودکان در مدارس هستند و همه کسانی که يك سیستم آموزش عمومی را برای فرزندان مان می‌خواهند و همه کسانی که از دخالت مذهب در زندگی مردم و بخصوص کودکان بیزارند، می‌خواهیم در این کنفرانس مطبوعاتی شرکت کنند و خود را جزئی از کمپین مدافع حقوق کودکان و ترقی خواهی بدانند.

تاریخ کنفرانس مطبوعاتی:

پنجشنبه ۲۱ ژوئن، ساعت ۹،۳۰ صبح

محل: مجلس ایالتی انتاریو، کوئینز پارک، تورنتو

برای اطلاعات بیشتر به شماره تلفن ۷۳۷۹۵۰۰-۴۱۶ مراجعه کنید.

همچنین از سایت زیر دیدن کنید: [www.oneschoolsystem.org](http://www.oneschoolsystem.org)

حزب اتحاد کمونیسم کارگری- واحد کانادا

در ایالت انتاریو، کانادا از مدت‌ها پیش جنبشی به راه افتاده تا به سیستم دوگانه آموزشی مدارس، مدارس دولتی (عمومی) و مدارس کاتولیک، پایان دهد. با سر برآوردن جنبش اسلامی در غرب و تسلط احزاب راست حکومتی، گروه‌های مذهبی و اسلامی حرکت وسیعی را آغاز کرده اند تا این شکاف در سیستم آموزشی را عمیقتر سازند. جریان‌ات اسلامی به دنبال سهم خواهی بیشتر، احزاب و دولت‌ها را زیر فشار وسیع گذاشته تا همچون کلیسای کاتولیک بودجه دولتی جهت ایجاد مدارس اسلامی بگیرند.

در این میان حزب کنسرواتیور در ایالت انتاریو جدیداً در پلتفرمش خواهان اختصاص بودجه به گروه‌های مذهبی بر اساس تعداد نفوذ آنان گشته است. این خود اهمیت کار کمپین يك سیستم آموزشی برای همه را صد چندان کرده است. بنحوی که حرکت گسترده ای برای به عقب راندن دولت جهت قطع هر گونه کمک مالی و بودجه به دست جات مذهبی هم اکنون به راه افتاده و دهها گروه، شخصیت مترقی و سکولار و دهها عضو هیئت امنای آموزش و پرورش و حزب سبزها به این کمپین پیوسته اند. جای همه کسانی که از حکومت مذهبی و سیستم آموزش اسلامی در ایران به تنگ آمده اند و از آن عمیقاً متنفرند در این کمپین خالی است.

صدای ما و دخالت فعال ما در کمپین نه به مدارس مذهبی وزنه بزرگی است که میتواند در به پیروزی رساندن این جنبش انسانی و مترقی نقش به سزایی داشته باشد. پایان دادن به کار مدارس مذهبی در کانادا میتواند سکوی عظیمی برای پیشروی جنبش جهانی علیه آزار مذهبی

گزارشی از زندگی پناهجویان شمال عراق در ترکیه، دستگیری و باج خواهی و ترور نسرين رضاعلی



مسئولین یو ان به ما اعلام کرد که صالح کردی با پرداخت جریمه آزاد خواهد شد. عبدالله ویسی بخاطر نداشتن شماره پرونده یو ان از دادن هر گونه اطلاعاتی خودداری نمود.



صالح کردی دیروز سه شنبه شب آزاد شد و به میدان خانواده خود باز گشت. در حال حاضر از وضعیت عبدالله ویسی خبری در دست نیست.

لازم به ذکر است که دو هفته پیش دو پناهجو در ترکیه بشدت با ضرب چاقو مجروح شدند. این پناهجویان مورد هجوم چند نفر ناشناس قرار گرفتند.



پناهجویان شمال عراق که هر کدام حداقل بیش از ۶ سال است در ترکیه زندگی می کنند از وضعیت مساعدی برخوردار نیستند.

ماه گذشته یکی از پناهجویان به نام ایوب امینی توسط نیروهای اطلاعاتی رژیم به قتل رسید. پناهجویان به همراه سازمانهای مدافع حقوق مدنی و پناهندگی ترکیه در مقابل دفتر یو ان تجمع کردند و مسبب مرگ ایوب امینی را یو ان و دولت ترکیه دانستند. پناهجویان شمال عراق با نوشتن نامه های متعددی تلاش نمودند وضعیت خود را به اطلاع نهادهای مدافع حقوق بشر برسانند و خواهان انتقال به کشور ثالث شدند که تاکنون کمترین توجه به وضعیت این پناهجویان نشده است. این پناهجویان مرتباً و با عناوین مختلف مورد تعرض نیروهای مزدور رژیم اسلامی قرار میگیرند و همچنین پلیس ترکیه با دریافت رشوه زیاد زندگی مشقت باری را به این پناهجویان تحمیل کرده است.



چهار شنبه گذشته دو نفر از پناهجویان به نامهای صالح کردی و عبدالله ویسی توسط نیروهای پلیس ترکیه دستگیر شده و به آنها اعلام شده بود که دیپورت می شوند.

جمعه شب گزارشی مبنی بر دستگیری این دو پناهجو به حزب اتحاد کمونیسم کارگری ارسال شد. فوراً تلاش برای آزادی هر دو پناهجو آغاز شد و طی تماسهای مکرر با مسئولین یوان در ترکیه روز دوشنبه صبح یکی از

کمونیسم کارگری مارکس و منصور حکمت را بعنوان تنها راه حل رهایی از شر سرمایه داری و حکومت منحوس اسلامی در ابعاد وسیع به مرکز جدال سیاسی و طبقاتی ببرید! از تلاش و فعالیتتان در کمپین معرفی حزب گزارش تهیه کنید.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری حزب شماست! این حزب تمام کسانی است که پرچم مانیفست کمونیست و یک دنیای بهتر را برافراشته اند و برای دنیایی عاری از ستم و استثمار، فقر و فلاکت، تبعیض و بی عدالتی، جامعه ای بدون طبقه و ایدئولوژی و خرافه مبارزه میکنند!

به حزب اتحاد کمونیسم کارگری بپیوندید و در مقابل کل کمپ راست و ارتجاع سرمایه داری که تلاش دارند مبارزه برحق کارگری و عدالتخواهانه و آزادیخواهانه مردم ایران را به مسلخ ببرند، پرچم انقلاب کارگری و سوسیالیستی را برافرازید! ما میتوانیم به یک آینده چپ و انسانی شکل دهیم و این تلاش جمعی و فردی همه را میطلبد! \*

در قلمرو سیاست سراسری تلاش میکند. پرچم و سیاست و نقد کارگری و مارکسیستی حزب باید جای شایسته خود را در هر محیط کارگری اعم از فابریک و محلهای زیست کارگران، مراکز دانشگاهی و آموزشی، و هر مرکز سیاسی پیدا کند. این وظیفه کادرها و اعضای حزب و پیشروان کمونیست و سوسیالیستی است که هدف خود را برپایی جهانی انسانی و جامعه ای خوشبخت و آزاد و برابر قرار داده اند!

نشریات و ادبیات حزب و کمونیسم کارگری را وسیعاً پخش کنید! همه جا و هر جا ممکن است دیوارها را با شعارهای حزب بپارائید! کارگران، زنان و جوانان را دعوت به پیوستن به حزب اتحاد کمونیسم کارگری کنید! جلسات مختلف برگزار کنید و پیرامون حزب و سیاستهایش بحث کنید. انتظارات خود را در مقابل حزب تان قرار دهید و همراه حزب برای متحقق کردن آن به مبارزه متشکل رو بیاورید. کمونیستها را متشکل کنید و

## در کمپین معرفی حزب فعالانه شرکت کنید!

سیاوش دانشور

**کارگران، کمونیستها، جوانان انقلابی، زنان آزادیخواه!**

برای معرفی حزب اقدامات متعددی میتوان صورت داد؛

این حزب کارگران کمونیست و سوسیالیست و رهبران عملی جنبش کارگری است. حزبی است که نبض آن با نبض مبارزه کارگری میزند و اولویت اساسی خود را حضور فعال در متن اعتراضات کارگری و تقویت گرایش رادیکال و سوسیالیستی طبقه کارگر قرار داده است. در محیطهای کارگری حزب را معرفی کنید و کارگران کمونیست و پیشرو را به پیوستن و تماس و همکاری با حزب دعوت کنید! سیاستهای انقلابی و کمونیستی حزب را در میان کارگران وسیعاً تبلیغ کنید!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری حزبی مارکسیستی و مدرن است که برای تحکیم و مسلط شدن نقد سوسیالیستی و کمونیستی به جامعه سرمایه داری و گرفتن ابتکار عمل سیاسی سوسیالیسم کارگری در مقابل جنبشهای ارتجاعی و راست

حزب اتحاد کمونیسم کارگری اولین کمپین سیاسی اش را به معرفی خود اختصاص داده است. هدف ما اینست که در دو ماه آینده در کنار سازماندهی و شکل دادن به ارگانهای ستادی و ستونی حزب، و بموازات فعالیتهای روتین و فشرده برای امر سازماندهی کمونیستی در داخل و خارج، حزب اتحاد کمونیسم کارگری را وسیعاً معرفی کنیم، برای حزب عضوگیری کنیم و راه حل سوسیالیستی طبقه کارگر را برای آزادی جامعه به میان توده وسیع مردم عاصی از جمهوری اسلامی ببریم. فراخوان ما به اعضا و کادرها و دوستداران حزب اینست که وسیعاً و با ابتکارات مختلف در این کمپین فعالانه شرکت کنید.

## حزب اتحاد کمونیسم کارگری

اساس سوسیالیسم انسان است، چه در ظرفیت جمعی و چه فردی. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است! منصور حکمت

### فرم تقاضای عضویت در حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱- نام و نام خانوادگی: (اسمی که با آن فعالیت سیاسی میکنید)

۲- سال تولد:

۳- چگونه با حزب آشنا شدید؟

تاریخ: امضا:

تلفن: ای میل:

\* سابقه تحصیلات، تسلط به زبانهای اروپایی، قابلیتهای فنی و تخصص های حرفه ای:

\* شهر محل تولد و زندگی:

\* سابقه فعالیت سیاسی و متشکل:

این اطلاعات تنها در اختیار دبیرخانه حزب است و حزب راساً این اطلاعات را علنی نمیکند

پرداخت حق عضویت الزامی و یک شرط مهم عضویت در حزب است. حق عضویت ماهیانه در حزب معادل ۱۵ دلار آمریکا، ۲۰ دلار کانادا، ۱۰ پوند انگلیس، ده یورو اروپا، ۱۰۰۰۰ کرون سوئد، و ۱۰۰۰۰۰ ریال ایران است.



## گفت و شنود با رهبری حزب اتحاد کمونیسم کارگری

### اوضاع سیاسی ایران و وظایف عاجل کمونیسم کارگری

سخنرانان؛ آذر ماجدی، علی جوادی، نسرين  
رمضانعلی، سیاوش دانشور

لندن؛ جمعه ۲۹ ژوئن ساعت ۶ بعد از ظهر

تلف تماس: +44 77 65 43 12 76 سیروان قادری

[azarmajedi@gmail.com](mailto:azarmajedi@gmail.com)

حزب اتحاد کمونیسم کارگری - واحد انگلستان

#### بیانیه حزب در باره؛ جنگ داخلی فلسطین و راه حل ما

جوامع باز و آزاد و برابر و مرفه و انسانی و سکولار است که در آن آدمیزاد و جان و حرمت و آسایش اش هدف اساسی است. حزب اتحاد کمونیسم کارگری و احزابی نظیر ما باید با هر سه سوی این جنگ و آدمکشی مقابله کنند. ما نمیخواهیم مردم زیر حاکمیت اسرائیل دست به موشک زندگی کنند، ما نمیخواهیم اسلام سیاسی و حکومتهای اسلامی را در خاورمیانه تحمل کنیم، ما به بی کشوری مردم فلسطین و سرکوب هرروزه شان رضایت نمیدهیم. ما از تروریسم چه اسلامی و انتحاری و چه ارتشی و پاگونی بیزاریم، ما این فقر و بی حقوقی گسترده در منطقه را نمیخواهیم. راه حل ریشه ای در دخالت گسترده بشریت متمدن است. باید بشریت نودوست و آزادیخواه را علیه کل این اوضاع به میدان بکشیم. این سیاست تنها راه تحفیف مشقات مردم فلسطین و حل مسئله فلسطین است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۸ ژوئن ۲۰۰۷ - ۲۸ خرداد ۱۳۸۶

سرکوبگری و بمباران و تحریم اقتصادی دولت اسرائیل و همچنین جنگ دستجات تروریستی اسلامی و جریانات ارتجاعی ناسیونالیستی را گرفت و از تشدید وخامت اوضاع کاست.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری عمیقاً بر این باور است که پایان دادن به جنگ و تروریسم و کینه توزی فرقه ای کار بشریت متمدن است. کار جنبشی است که برای برابری حقوق و حرمت انسانها و به کرسی نشاندن آنها تلاش میکند. تروریسم دولتی را با بزیر کشیدن دولتهای تروریست باید خاتمه دارد. تروریسم غیر دولتی را باید با پایان دادن به مشقات و تبعیضات و استثمار و اختناق که انسانها را به استیصال سوق میدهد و قربانی جریانات و سازمانهای مرتجع ضد بشری میکند، از بین برد. باید قویا یک سیاست تعرضی علیه مذهب، قوم پرستی، نژاد پرستی در دستور قرار داد. پاسخ ما مبارزه برای ایجاد



#### Campaign No to Sharia Save the Children from Execution!

کمپین نه به قوانین اسلام، نجات کودکان از اعدام!

سنگین و قطور است. جمهوری اسلامی دارای بالاترین میزان اعدام به نسبت جمعیت در سطح جهان است. در کارنامه این رژیم اعدام بیش از صد و پنجاه هزار تن از شریفترین انسانهای مردم ثبت شده است.

اعدام یک جنایت دولتی است.  
اعدام کودکان شنیع ترین نوع جنایت است!

۴۳ کودک در لیست اعدامهای رژیم اسلامی قرار دارند



اعدام قتل عمد دولتی است. جنایتی شنیع تر از قتل است. سازمانیافته و از پیش طراحی شده است. اعدام کودکان شنیع ترین جنایت در تاریخ معاصر بشری است. این دستگاه جنایت را باید نابود کرد. بساط اعدام را باید برچید. "مرکز پیگرد سران رژیم به جرم جنایت علیه مردم" بمنظور آزادی و متوقف کردن اعدام این کودکان از تمامی نهادهای مترقی و انساندوست، از تمامی انسانهای شریف و آزادیخواه میخواید تا به کمپین "نجات کودکان از اعدام!" بپیوندند و صدای اعتراض خود را به گوش جهانیان برسانند. مقامات رژیم اسلامی را تحت گسترده ترین فشارهای سیاسی و حقوقی قرار داد. فرصت کم است. برای نجات این کودکان از اسارت ماشین اعدام رژیم اسلامی باید فوراً دست به کار شد.

مرکز پیگرد سران رژیم اسلامی به  
جرم جنایت علیه مردم

کمپین " نه به قوانین اسلام، نجات  
کودکان از اعدام!"

هما ارجمند

۱۷ ژوئن ۲۰۰۷

این یک خبر تکان دهنده و دهشتناک است. اخیراً عماد الدین باقی در روزنامه میهن فاش کرده است که ۴۳ کودک در صف اعدامهای رژیم اسلامی قرار دارند. ۴۱ پسر و ۲ دختر. هر چند که فیلیپ آلستون نماینده ویژه سازمان ملل قبلاً در اعتراض خود به مقامات قضایی رژیم اسلامی تعداد این کودکان را ۱۵ تن اعلام کرده بود. تمامی زندانیان در زمان دستگیری زیر ۱۸ سال قرار داشته اند.

جمهوری اسلامی یک ماشین تولید قتل و جنایت و آدمکشی است. بخاطر عقیده سیاسی میکشند. بخاطر عدم باور به خرافه و جهل انسانها را روانه جوخه اعدام میکنند. بخاطر عشق ورزیدن سنگسار و اعدام میکنند. بخاطر دفاع از حقوق کارگر و انسانیت میکشند. بخاطر دفاع از خوشی و شادی و سعادت اعدام میکنند. کارنامه جنایت رژیم اسلامی

## یک دنیای بهتر

برنامه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

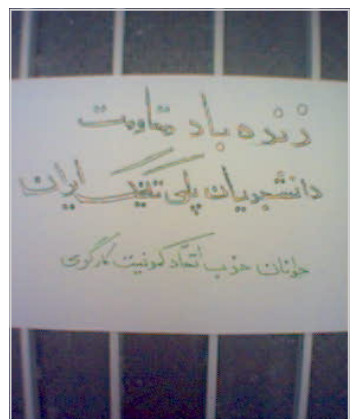
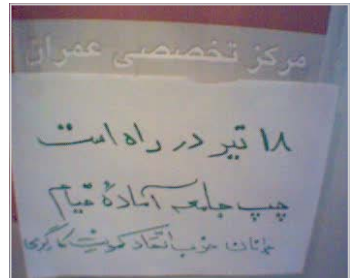
را بخوانید و به همکاران و دوستانتان توصیه کنید!

## نامه ها

سیاوش دانشور

رامین تیرانداز عزیز،

عکسهای شعار نویسی توسط جوانان حزب اتحاد کمونیسم کارگری در تهران و در منطقه کوی دانشگاه و ... را همراه با پیام شما به دانشجویان پلی تکنیک دریافت کردیم. کمپین معرفی حزب را شما عزیزان بسرعت شروع کردید. به همه دوستان فعال خسته نباشید میگویم. پیامتان را به دوستان پلی تکنیک در همین شماره همراه با شعاری در حمایت از آنها منتشر کردیم. اینهم نمونه هائی از یک مجموعه عکس دریافتی و شعارنویسی این عزیزان. دستتان درد نکند.



سلام

با تبریک ایجاد حزب کمونیست کارگری، شما در فرم عضویت پرداخت حق عضویت را به عنوان یک پیش شرط مهم تذکر دادید. آیا اگر کسی بیکار باشد و نتواند حق عضویت بپردازد او را به عضویت قبول نمی کنید؟ نادر

نادر عزیز،

پرداخت حق عضویت که میزان آن هم بسیار کم است اهمیت سیاسی دارد. از اینرو ما پرداخت حق عضویت را الزامی قرار داده ایم. اما اگر رفیقی در موقعیتی باشد که پرداخت همین میزان برایش غیر عملی باشد، حزب مانع عضویت و فعالیت متشکل اش نمیشود. سیاست ما اینست که این استثنا ها را بصورت موقت و در توافق با مسئولین حزبی حل و فصل کنیم.

سلام

چرا شما ضد ترک های آزادی زن هستید؟ با سیاس، شهین استاجلو

شهین استاجلو عزیز،

ما مخالف انتساب هویت ملی و قومی و مذهبی به انسانها هستیم نه مخالف فعالیت برای آزادی انسان و آزادی زن. شما اگر برای آزادی زن بعنوان نیمی از پیکره جامعه بشری تلاش میکنید، ما دست شما را میفشاریم و برای تلاشتان ارزش قائلیم. اما اگر آزادی زن را در چهارچوب هویت ملی و قومی مد نظر دارید، این دیگر ربطی به آزادی زن ندارد. حقوق زن جهانشمول است و امر برابری و آزادی زن امر تمام کسانی است که از مردسالاری، تبعیض و ستمگشی بیزارند. ما مخالف هر تبعیضی هستیم از جمله تبعیض

براساس جنسیت.

دارید لطفا آن را طوری بکار بگیری که بعدا متاسف نشوید.

سلام خانم نوری عزیز،

خوشحالم از اینکه باب مطالعات پیرامون کمونیست در حال فراگیری است. خوشحالم از بابت رشد اندیشه و ایجاد آگاهی تضمین آینده ی ایرانیان است. با دوام باشید، رسول اسلامی

آقای رسول اسلامی

ما هم خوشحالیم که علیرغم تبلیغات ضد کمونیستی جهانی و تحریفات مهلکی که به حساب مارکسیستها و کمونیستها گذاشتند، امروز نسل جدید و جویای حقیقت وقتی به امر آزادی همه جانبه انسان فکر میکند، گنجینه غنی تری از نقد مارکسیستی به نظام موجود پیدا نمیکند. گسترش دیدگاهها و بسط نقد مارکسیستی به دنیای امروز یک وجه مهم تلاش ماست. موفق باشید.

با درود فراوان!

مرسی از ایمیلتان! من حتماً وبلاگ های شما را در این تارنما قرار می دهم! باز هم کاری بود ایمیل بزنید. فعلاً .

[info@iranianinfolinks.com](mailto:info@iranianinfolinks.com)

دوستان گرامی اینفو ایرانیان لینک

با تشکر از شما و آرزوی موفقیت در تلاشتان. از همکاری صمیمانه شما سپاسگزاریم.

فتانه

شما را خوب میشناسیم جر نزنید. اینجا رانده و از آنجا مانده شدید. متاسفم برای بی درایتی تان.

فتانه عزیز،

توصیه میکنم کمی بهداشتی و سیاسی صحبت کنید. این تصویر بهتری از شما میدهد. برای ما هم متاسف نباشید. اگر شما درایتی

علی جان با سلام

عزیز جان من تا به حال چندین مورد از شما خواسته ام که مرا از ای میل لیست خود خارج کنید. قبول دارید که این کمترین حق من است. نشریات شما در سایتها هست و من اگر وقت داشتم و مایل بودم حتماً نگاهی می اندازم. شما هم در این مورد بیشتر به خود زحمت ندهید، به دنبال اتحادتان!!! باشید با حواریون؟؟؟؟!!! و از ما بهتران . چون در جنبش کمونیست کارگری کسی به اتحاد شما جواب مثبتی نداد . در احزاب آن هم که شما چشم امید بسته بودید همین طور. داخل و بیرون حزب هم کسی شما را جدی نگرفت. کورش مدرسی و مهرنوش موسوی هم چنان با شما برخورد کردند. که من واقعا برایتان متاسف شدم. دیگر لطفا وقت من و خودتان را در ای میل زدن تلف نکنید. البته شما آزادید که به هر کس مایلید ای میل بزنید ولی عرف جامعه بورژوازی هم این است که اگر کسی درخواست کرد که او را از ای میل لیستتان در آورید این کار را بکنید.

زنده باد کمونیسم کارگری، زنده باد راه و یاد منصور حکمت،

دوستدار شما، بابک یزدی

بابک یزدی عزیز،

حتماً شما را از لیست ای میل خارج میکنیم تا حقوق تان ضایع نشود. در مورد نکته ای که طرح کردید زیاد نگران و متاسف نباشید، چون بجز تمایل چپ رادیکال از هر دو سو که بنا به ظرفیتهایش منافع محدودتری را دنبال میکند، در جنبش کمونیسم کارگری مسئله برعکس است. البته اینروزها نمیدانم چرا همه "متاسفم" میگویند. ما با این همه باران تاسف چکار باید بکنیم؟ ما بار اولمان نیست که برخورد فرقه ای مبینیم و برایمان واکنشهای از این دست ایدا دور از انتظار نبود. آنچه دور از انتظار بود اینست که رفاقت دیرینه با این نوع برخوردها و ادبیات ویژه آن بی ارزش

## نامه ها ...

شود. ما برای رفاقت سیاسی و دوره طولانی فعالیت با کمونیستهای این حزب ارزش قائلیم و تلاش میکنیم این تاریخ قربانی منافع آبی و محدود نشود. جامعه و کادرها و اعضای جنبش کمونیسم کارگری شعور دارند و تفاوتها را تشخیص میدهند. لطفا برخورد هر کسی را بگذارید به حساب و مسئولیت خودش. از شما بعنوان عضو کمیته مرکزی حزب هم انتظار میروید بجای کلمه "حواریون" و تبلیغات از این دست مقداری استدلال سیاسی و متین کنید. در مقابل این نوع برخوردها ما برای شما و رفقای دو حزب و کل جنبش کمونیسم کارگری آزوی سلامت و پیروزیهای درخشان میکنیم. برخلاف شما نه آزوی اینرا داریم که کسی جدیتان نگیرد و نه دوست داریم بحالتان تاسف بخوریم. ما مسائل و برخوردها را می بینیم، زمینه ها و دلایل آن را میشناسیم، درک میکنیم، رد می شویم و کارمان را میکنیم. فقط امیدوارم که اینگونه برخوردها را کسی به حساب منصور حکمت و کمونیسم کارگری نگذارد. پیروز و تندرست باشید.

### با درود به همه آزادیخواهان و دیگر رفقا

متشکرم از مقالاتی که برایم می فرستید، چرا سازماندهی را در درون کشور صورت نمی دهید؟

اشی مشی

### اشی ماشی عزیز،

خوشحالم که نشریه را مرتب دنبال میکنید و خوشحال تر میشویم که مرتباً نظرات انتقادی و پیشنهادی شما و دوستان دیگر را بشنویم. یک وجه اصلی و اساسی فعالیت حزب سازماندهی در داخل کشور است. امیدوارم آماده فعالیت و پیوستن به حزب باشید. موفق باشید.

### استقلال و آزادی یک میلیاردی

...

امروز صبح ( 29/3/1386 ) در دادگاه انقلاب واقع در خیابان معلم ، محمد خاکساری مدیر مسئول هفته نامه توقیف شده قلم معلم حضور پیدا کرد تا بداند آزادی اش در گرو بازداشت سند یک میلیارد ریالی است. هفته نامه قلم معلم در 13 اردیبهشت 86 در حالی توقیف شد که علی رغم مصوبه شورای امنیت ملی مبنی بر " عدم اجازه درج هرگونه اعتراضات معلمان "، تنها انعکاس دهنده مطبوعاتی اخبار معلمان و کانون های صنفی آنها در سراسر کشور بود. از تاریخ 15 اردیبهشت تا اواسط خرداد این فعال صنفی تقریباً هر روز به جز روزهای تعطیل برای پس دادن بازجویی به دادگاه انقلاب رفت. چند روزی خبری از احضارها نبود اما بالاخره امروز قرار بازداشت سند یک میلیارد ریالی برای ایشان صادر شد.

### دوست عزیز،

اذیت و آزار و دستگیری معلمان فعال یک گوشه سیاست ایندوره رژیم اسلامی در قبال اعتراضات مختلف و فعالین آن بوده است. شکست این سیاست ارتجاعی تنها با گسترش این اعتراضات و تحمیل عقب نشینی به رژیم اسلامی ممکن است. معلمان باید مبارزه ایندور را جمع بندی کنند و با قدرت و قاطعیت بیشتری به میدان بیایند. خواست آزادی بیقید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و فعالین دستگیر شده در دوره اخیر باید به پرچم اعتراضات همگانی و از جمله اعتراضات ۱۸ تیر تبدیل شود.

### دوستان عزیز حزب اتحاد کمونیسم کارگری

تشکر از ای میل شما. ما یک گروه بسیار کوچک از منفردین هستیم اما علاقه مندیم شما را به سایت کتاب فارسی دات کام رجوع دهیم. این سایت بزرگترین کتابخانه فارسی الکترونیکی است که مجموعه خوبی از کتاب از زاویه دید چپ ارائه میکند. با بهترین احترامها، انجمن گلشن.

### دوستان گرامی انجمن گلشن

برای شما و فعالیتتان آرزوی موفقیت میکنیم.

**جمعی از طرفداران سید حسین کاظمینی** طی اطلاعیه ای خبر دادند که در مورخه 30/3/86 مصادف با 20 ژوئن 2007 آخرین جلسه دادگاه سید حسین کاظمینی بروجردی برگزار میگردد و اعلام کردند که حکم اعدام برای ایشان و ۱۷ نفر از هواداران شان صادر گردیده و طلب کمک کردند.

ما با مجازات ضد بشری اعدام مخالفیم، آن را قتل عمد دولتی میدانیم و معتقدیم هیچ کسی نباید بخاطر عقاید سیاسی و مخالفت مورد تعقیب و آزار سیاسی قرار بگیرد. جمهوری اسلامی یک حکومت ضد بشر و آدمکش است که تنها با سرکوب و اعدام و شکنجه مخالفین سرپا مانده است. پایان دادن به این وضعیت تنها با سرنگونی جمهوری اسلامی و الغا تمام قوانین ارتجاعی و سرکوبگرانه اسلامی ممکن است. تا روز پیروزی مردم بر این ماشین جنایت اسلامی باید با اتکا به مبارزه آزادیخواهانه تلاش کرد که رژیم اسلامی قربانیان کمتری از مخالفین سیاسی اش بگیرد.

### بسمه تعالی

شرمنده ام که نویسنده کوتاه نظر مقاله دایره اطلاعات اسلام شناسیش آن قدر گسترده است که فرقه یزیدی را که فرقه ای خارج از اسلام است نماد اسلام میدانند. و قتل دعا دختر کرد یزیدی را که جرمش اسلام آوردن و خروج از فرقه ی ضاله ی ابا و اجدادی اش به عشق يك جوان سني مذهب بوده به گردن اسلام مي اندازد. اسلام زن زناکار محصنه را سنگسار مي کند -آن هم تحت شرایطی که گویا نویسنده مقاله اصلاً از آن خبر ندارند! در عصر دوربین و اینترنت بد نیست شتابزده عمل نکند تا آبروی نداشته تان بیشتر نریزد.

[moghalmo@yahoo.com](mailto:moghalmo@yahoo.com)

آقای مقلو،

زیاد شرمنده نباشید. چون عدم اطلاع از اسلام و اسلام شناسی باعث نمیشود که انسان مسئله مهمی را از دست داده باشد. اسلام در ایران و افغانستان و عربستان دیگر معرفی است و ضرورتی به تفحص عجیبی برای درک ماهیت ضد بشری آن نیست. من البته اسلام شناس نیستم و وقتم را برای این حرفه تلف نمیکنم. من کمونیستم و از مذهب و اسلام بعنوان قاتل مردم منزجرم. دعوی "فرقه ضاله و غیر ضاله" را به جنگ فرقه ای شما واگذار میکنم. از نظر من انسان با تعلق به مذهب خاصی و یا بدون آن انسان است و باید از حق و حرمت شخصی و آزادی و برابری برخوردار باشد. آبرو و پرنسب ما اینست! نکته ای که در دنیای فرقه ای شما کفر محسوب میشود و عواقب سنگین دارد! اسلام هنرش آدمکشی است و خوبست که خودتان هم به آن اعتراف میکنید. این آبرو در مردانگی اسلامی و افتخار به سنگسار و علم شرایط آن پیشکش شما! مسئله اینست که در "عصر دوربین و اینترنت" کسی که طرفدار سنگسار است آبرو ندارد. این فرقه چه با اسلام شما میانه خوبی داشته باشد و چه نداشته باشد، در یک چیز اشتراک دارد؛ مردسالاری و ضد زن بودن و عمل جنایتکارانه و سبعانه سنگسار. اختلاف فرقه ای شما و داستان "ظاله و غیر ضاله" ثانوی است.

اینهم یک خبر جهت اطلاع همگان و تشخیص آبروی اسلام شناس ما و همفکرانشان در جمهوری اسلامی:

**"یک زن و یک مرد پنجشنبه ۳۱ خرداد در تاکستان سنگسار می شوند. شورای تامین استان قزوین مجوز اجرای حکم سنگسار یک زن و یک مرد را در ملاء عام صادر کرده است. قاضی شعبه یکم دادگاه جزایی تاکستان که حکم رجم را صادر کرده، خود در محل اجرای حکم حضور خواهد یافت و اولین سنگ را خواهد زد." که امروز از ترس اعتراض مردم متوقف کردند.**



## نامه ها ...

سلام

کمونیست در دنیا به دلیل ناکارایی واپس زده شد و از هم پاشیده، شما تازه بهش رو آوردید؟ مثل اینکه خوابتون زیادی سنگین است. فاطمه قربانی

### خانم فاطمه قربانی

آنچه از هم پاشید مدل دیگری از همین سرمایه داری در دنیا بود. ده بار دیگر این نوع کمونیستها بیاید و شکست بخورد، کارگر ناچار است برای بهتر شدن زندگی اش مبارزه کند و جنبش ضد سرمایه داری کارگران ناچار است علیه این وضعیت تلاش کند. کمونیسم جنبشی برای ایجاد جامعه ای آزاد و انسان محور است. ما هم خیلی وقت است کمونیستیم. چه زمانی که آن برج و بارو سر جایش بود و ما این تحلیل و ارزیابی را داشتیم که این بلوک رفتنی است. و چه بعد از آن که دنیا در خدمت تاجر و ریگان و دمکراسی باغ وحش بازار دو لا راست میشد. انسانهایی که تغییر میخواستند و برای تغییر مبارزه میکنند، مخیر به کنار گذاشتن اصول و اهدافشان نیستند. کمونیسم بیزنس نیست که اگر نرخ سودش افتاد تعطیل اش کرد. یک جنبش اجتماعی و یک گرایش موجود در متن جامعه سرمایه داری است که میخواهد استثمار و اسارت سیاسی و اقتصادی و نظام طبقاتی را القا کند. خواب ما خیلی سبک است. ایرادی که ما داریم اینست که مطابق مد روز به هر وضعیتی گردن نمیگذاریم. پرنسیپ هایمان سیال نیست. امیدوارم شما هم به جنبش انسانهای آزاد برای نفی زن ستیزی، مردسالاری، استثمار طبقاتی و کل مصائب ضد انسانی جامعه سرمایه داری بپیوندید.

### برای کمپین هما ارجمند!

ائتلاف اپوزیسیون، نابودی جمهوری دیکتاتوری اسلامی را رقم خواهد زد. موفق باشید. ایرج شهبازی

### ایرج شهبازی عزیز

سیاست ما نه ائتلاف با اپوزیسیون بلکه دیالوگ با اپوزیسیون است. اپوزیسیون جمهوری اسلامی اهداف متفاوت و متضادی را دنبال میکند. ائتلافشان نه دردی را دوا میکند و نه به روند شفافیت مبارزه سیاسی و آگاهی مردم کمکی میکند و نه جمهوری اسلامی به این طریق سرنگون میشود. مردم ناگزیرند میان چپ و راست در یک مقیاس اجتماعی انتخاب کنند. برای حزب ما که به اردوی سوسیالیستی کارگران متعلق است، ائتلاف با نیروهای جنبش کمونیسم کارگری و تلاش برای اتحاد طبقه کارگر حیاتی است. در مورد بقیه اپوزیسیون ما معتقدیم که بهتر است اپوزیسیون به شروط و قوانین برای تضمین سالم نگهداشتن فضای سیاسی، مدنیت جامعه و تضمین دخالت مردم در سیاست و سرنوشت شان متعهد شوند. این سیاست بهتری از ائتلاف گروههای نامتجانس با اهداف اجتماعی و طبقاتی متخاصم است.

**سلام اثر ماجدی.** با تمام اختلافاتی که با شما دارم، تشکیل حزب جدید را از صمیم قلب به شما و تمام همکاران شما تبریک میگویم. من تقویت کمونیسم در خاورمیانه، "کمونیسم مارکس" را پیش شرط پیشروی جنبش طبقه کارگر میدانم. علاوه بر این یک ادبیات ضد ناسیونالیستی، یک ادبیات مثل ادبیات مردم انقلاب اکتبر، برای تقویت و روشننگری اندیشه و ذهنیت انسان ها هم لازم میدانم. وقت شما را نمیگیرم. یک دو تا از نوشته های خودم را برای شما میفرستم که به زبان کردی نوشته شده است.

آ.آ

خیلی متشکر از لطف تان. اما متأسفانه من کردی نمیتوانم بخوانم. با امید همکاری های بیشتر. اثر ماجدی

### ارسلان

داستم تو بی بی سی اخبار رو میخوندم که با این جمله مواجه شدم: تمایل قانونگذاران ایرانی به

بازگشت شیروخورشید.

### فعلا متن را بخونید

شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی درخواست کرده اند که مجسمه های شیروخورشید که پس از انقلاب از روی دروازه ورودی مجلس شورای ملی در میدان بهارستان تهران برداشته شد، دوباره در جای خود نصب شود. رئیس مجلس شورای اسلامی در پاسخ به این درخواست گفته که اگر افکار عمومی، بازگرداندن این شیرها را "احیای شعائر قبل از انقلاب" محسوب نکنند، هیئت رئیسه مجلس مخالفتی با نصب دوباره مجسمه شیرها نخواهد داشت. این روزها بیش از هر زمان دیگر پوسیدگی و بی لیاقتی رژیم خونخوار اسلامی به معرض نمایش گذاشته شده است. حیواناتی مانند حداد و دیگر قماش رژیم همان هایی که روزی در پیروی از کفتار پیر جماران به جان آثار تاریخی افتاده بودند و به گفته ی یزدی در تلاش برای زدودن فرهنگ (۴) دو هزار ساله بودند امروز در حالی که رمقی برایشان باقی نمانده و اعتراضات اجتماعی در یک سیر صعودی رو به افزایش است دست به دامان ناسیونالیسم ایرانی شده اند و به صورت عریان پیوند کثیف سرمایه داری و ناسیونالیسم و استبداد را به رخ همه می کشند. پشت این تصمیمات همان دست های دجالان 58 مخفی شده است. دیکتاتوری اسلامی با گرفتن کاسه ی گدایی دست به دامن هر چیزی میشود تا برای خودش فرصتی برای چپاول و غارت گری فراهم کند. شیرو خورشید از روی پرچم ایران رفته است و بازگشت آن فقط در یک فضای سیاسی باز با خواست مردم امکان پذیر است. به قول علی جوادی این نشان هر چه باشد و هر قدر هم که بخواهند به آن شکل تاریخی بدهند نشانی از آزادی نیست. با این حال پرچم چیزی است که فردا مردم باید درباره آن تصمیم بگیرند و این بازی ها چیزی جز فریب نیست

مرگ بر استبداد، مرگ بر سرمایه داری، مرگ بر ناسیونالیسم، زنده با آزادی برابری حکومت کارگری، زنده باد جمهوری سوسیالیستی، پیروز باد انقلاب، زنده باد کمونیسم

### ارسلان عزیز،

ناسیونالیسم یک ایدئولوژی مهم و بسیج کننده بورژوازی است. اسلام در ایران هیچوقت ناسیونالیسم و ظرفیتهای مخرب آن را کنار نگذاشت و همواره از این ابزار استفاده کرده است. بویژه در دوره اخیر ناسیونالیسم یک طوق ایدئولوژیکی برای جا انداختن سیاست هسته ای رژیم و تحریک ملی و فاشیستی بوده است. تردیدی نیست که اسلام قدرت بسیج اش را از داده است و چرخش حکومت اسلامی بطرف ناسیونالیسم نشان میدهد که منافع طبقات حاکم پایه ای تر از تبلیغات پوچشان است. از نظر من پرچم با شیر و خورشید یا بدون آن یک تکه پارچه است که اینهمه قشقرق و تعصب لازم ندارد. باید اصالت انسان را در مقابل اصالت خاک و خون و ملیت و این خرافات قرار داد. در ضمن توصیه میکنم بعنوان یک کمونیست از ادبیاتی که ویژه مجاهدین است استفاده نکنید. دجالان و پیر کفتار جماران از این جمله اند.

### سروش آزادی

- در صورتی که کمونیسم حاکم شود تغییرات اساسی در بنیان خانواده ایجاد خواهد شد. در آن صورت اکثر فرزندان پدران خود را نخواهند شناخت آیا این از لحاظ علمی مشکلی ایجاد نمی کند؟ و آیا مردم ایران که تحت نظام پدر شاهی هستند به چنین اقدامی تن خواهند داد؟ یا به زور این نظام را می خواهید بر آنان القا کنید؟!

- با توجه به این که همه چیز در یک نظام کمونیستی دولتی است چه برنامه ای برای مبارزه با کاغذ بازی و چاپلوسی برای کسب منصب دارید؟

- در مورد وضعیت حال حاضر چین بر ایمان توضیح دهید.

- در مورد



## یادداشت سردبیر...

اعتصاب کارگری تجلی روشن یافت. این حقیقت یعنی ابراز وجود جنبش کارگری، علیرغم سکوت حرفه ای و طبقاتی راست حکومتی و اپوزیسیون، امروز یک داده سیاسی است که کل کمپ راست برای مهار و کانالیزه کردن آن به مسیرهای مورد نظر خود تلاش میکند. جنبش کارگری در ایران و افقی که پیش روی جامعه بویژه در مراسمهای اول مه نهاده است، دورنمای یک تحول سوسیالیستی را بعنوان یک راه حل برون رفت از بحران ترسیم کرده است. این جنبش عظیم باید سازمان یابد. پیشروی قابل اتکای جنبشهای اعتراضی در ایران و بویژه جنبش کارگری در گرو سازماندهی وسیع و گرفتن ابتکار عمل سیاسی است. این وظیفه بلادرنگ کمونیسیم کارگری و حزب ماست.

تا به ۱۸ تیر مربوط است، امروز تکرار این مناسبت در قالب اولیه آن نه کافی است و نه ماهیت تحولات سیاسی هشت سال اخیر را بازتاب میدهد. این موضوع بویژه با تلاش اپوزیسیون راست که تلاش دارد یک تعرض ضد سوسیالیستی و ضد کارگری را سازمان دهد قابل توجه است. اخیرا سازی گوش خراش و آشنا در ارکستری به وسعت راست حکومتی و اپوزیسیون کوک شده است. چند موضوع پیش زمینه این تلاش های ارتجاعی است. اول، دولت احمدی نژاد یعنی سیاست بگیر و ببند و اعدام و سرکوب عریان نتوانست مردم و اعتراض شان را مهار کند. همانطور که سالها پیش اعلام کرده بودیم این سیاست خیرش را رسانده است و امکان عینی جلوگیری از اعتراض مردم و خانه فرستادنشان را ندارد. جمهوری اسلامی علیرغم بهتر شدن موقعیت اش در منطقه و تقویت تروریسم اسلامی، و سیاست پر و بال دادن به ارتجاع ملی و ناسیونالیستی در داخل، نتوانسته است موقعیتش را در مقابل اعتراض کارگری و ضد اعتراض آزادیخواهانه و ضد

حکومتی تحکیم کند. دوم، بحران مشروعیت و نفس بقا رژیم بیش از هر زمان مسئله کلیدی حکومت اسلامی است. سوم، سیاست تحمیل انتظار به مردم و دل بستن به "فرشته نجات آمریکا" بدرجات زیادی رنگ باخته است. چهارم، اعتراضات کارگری و آزادیخواهانه علیه فقر و فلاکتی که به جامعه تحمیل شده است وسعت یافتند و نخواستن جمهوری اسلامی بیش از هر زمان با عدالتخواهی و برابری طلبی و نقد سوسیالیستی وضع موجود گره میخورد.

این اوضاع و بویژه به میدان آمدن طبقه کارگر و نقد سوسیالیستی منشا این ساز گوش خراش کل کمپ راست علیه هر تحول مثبت و آزادیخواهانه در جامعه ایران است. در لیگ حکومتی از هم اکنون تنور "انتخابات" گرم شده است و مدنی چیهایی اسلامی در متن ناتوانی دولت احمدی نژاد در اداره مسائل داخلی و منطقه ای و بین المللی سهامشان در بازار سیاست بالا رفته است. ائتلاف اعلام نشده و وسیعی در درون و حاشیه رژیم اسلامی شکل میگیرد که تلاش دارد یکدور دیگر مردم و طبقه کارگر را پشت سیاست صبر و انتظار ببرد. جنبش ملی اسلامی در درون و بیرون حکومت به تحرک افتاده است. از هم اکنون خود را آماده "شرکت فعال" در نمایش انتخابات رژیم اسلامی میکنند. این جریان مدعی است که اینبار تلاش دارد "اشتباهات" سابق را تکرار نکند و به نیروی در خیابان و جنبشهای اعتراضی توجه کند و به عنوان یک فاکتور در محاسبات سیاسی خود وارد کند. از دانشگاه تا جنبش حقوق زنان تا جنبش کارگری تلاش میکنند قالبها و چهارچوبهای خود را طرح کنند. ظاهرا استراتژی "فشار از پائین و چانه زنی در بالا" دوره سابق اینبار قرار است به شکل دقیقتر و ضد سوسیالیستی تری اتخاذ شود. بنگاه دروغ پراکنی بی بی سی، ملی مذهبی هائی که در ایران به اشتباه "لیبرال" خطابشان میکنند، و حتی راستهای حکومتی یادشان افتاده که سفر اورتگا را بهانه ای برای حمله و سرکوفت زدن به چپ و مارکسیسم قرار دهند. فراموش کردند که اورتگا

جنس خودشان است و این نعل وارونه زدن آنها تنها موجب مزاح جنبش سوسیالیستی خواهد شد که بیست و چند سال پیش خط مشی توده ایستی و ارتجاعی دفاع از "خمینی ضد امپریالیست" را نقد و منزوی کرد. در بیرون حکومت راست پرو غربی و ناسیونالیستهای قوم پرست همین ساز گوش خراش را کوک کرده اند. کسانی که مدتها در اتاق انتظار "بعد از عراق نوبت ایران است" چرت میزدند و آینده خود را به استراتژی حمله نظامی گره زده بودند، امروز و در متن تلاشهای آمریکا و اروپای غربی برای نوعی کنار آمدن با رژیم اسلامی، سیاست شان را با سیاست جدید آمریکا و بقیه کمپ راست تنظیم میکنند. طرفداران پروپا قرص رژیم چنج و حمله نظامی طرفدار "حمایت جهان آزاد از مبارزه مردم ایران" شدند! راست پرو غرب مدینه شده و راست شرق زده ملی اسلامی غریبه میشود. قوم پرستان کرد یادشان افتاده به سیاق آیت الله مطهری و بورس سیاسی دنیای امروز، عقاید واپسگرایی قوم پرستانه و هویت کاذب و عتیق قومی را با "نقد فاندمانتالیسم مارکسیستی" بیارایند! این تلاشها از حکومت تا اپوزیسیون بی مقدمه و رعدی در آسمان بی ابر نیست. همه با یک زبان علیه مارکسیسم و کمونیسیم و کارگر دم گرفته اند تا مطلوبیت خود را به طبقه بورژوازی نشان دهند.

حزب مشروطه ایران که نمیداند کارگر خوردنی است یا پوشیدنی امروز ناچار است واقعیت عظیم اعتراض کارگری را برسمیت بشناسد و برای مهار آن چاره جویی کند. آقای رضا پهلوی دست خاتمی را از پشت بسته است و بیشتر از هر اصلاح طلبی طرفدار مبارزه مسالمت آمیز و نافرمانی مدنی و اعتراض ریموت کنترلی مردم و کارگران در یک انقلاب مخملی است. حزب مشروطه ایران به کارگران توضیه میکند که باید راهشان را انتخاب کنند؛ بین اعتراض مدنی و اعتراض

طبقاتی یکی را انتخاب کنند! خوب است یادمان باشد اینها همان کسانی هستند که صراحتا عنوان کردند کارگران بعد از جمهوری اسلامی باید بیست سی سال کار کنند و توقع زیاد نداشته باشند تا لطامات اقتصادی بازسازی شود. اینها نمایندگان پروپاقرص سرمایه داری مکتبی به کار ارزان و کارگر خاموش اند. اینها همان کسانی هستند که در مقابل خطر "تجزیه ایران" اعلام کردند کنار جمهوری اسلامی قرار خواهند گرفت. اینها وارثان تاج و تخت رژیم سلطنتی هستند که امروز در کنفرانس پراگ کنار مغضوبین سپاه پاسداران ساز نافرمانی مدنی و مبارزه مسالمت آمیز را کوک میکنند و علیه طبقه کارگر و سوسیالیسم در اطلاعیه های رسمی شان خط و نشان میکشند. این ساز گوش خراش و ضد سوسیالیستی، که اگر جمهوری اسلامی عقل داشته باشد باید قدر آن را بداند، ماهیت مشترک کل کمپ راست را در مقابل اعتراض مستنقل و آزادیخواهانه و سوسیالیستی طبقه کارگر و مردم محروم نشان میدهد.

### خط مشی ۱۸ تیر

حق با منصور حکمت بود! این جنبش سرنگونی ابدی جنبشی "همه با هم" نیست. بعد از گذشت هشت سال، امروز در مناسبت ۱۸ تیر، بیش از هر زمان این خصلت اجتماعی و طبقاتی و جهنگیری استراتژیک متضاد نیروهای مخالف جمهوری اسلامی روشن است. ۱۸ تیر امسال باید مضمونی داشته باشد که این تحولات و صفیندیهای سیاسی را منعکس دهد. در ۱۸ تیر امسال و از زاویه منافع و مصالح جنبش آزادی و برابری چند مسئله محوری است؛

۱- تاکید بر سرنگونی تمام و کمال رژیم اسلامی و نخواستن این حکومت. مردم ایران جمهوری اسلامی را نمیخواهند و پیش شرط هر تغییر کوچک و بزرگی به نفع رفاه و امنیت و حرمت مردم سرنگونی جمهوری اسلامی است. هر سیاستی که به امر سرنگونی توسط مردم

## یادداشت سردبیر...

تخفیف میدهد سیاستی بر علیه تمایلات و اعتراض آزادیخواهانه طبقه کارگر و اکثریت مردم محروم است.

۲- اعتراضات کارگری، اعتراضات دانشجویی، اعتراضات زنان، و جنبش خلاصی فرهنگی جوانان، اساساً ماهیتی ضد تبعیض و اهدافی برای برابری و انسانی دارد. خواست آزادی و برابری و نفی هر نقطه سازشی که بنوعی اختناق و نابرابری و تبعیض را نگه میدارد، یک خواست محوری ۱۸ تیر و یک مشخصه جنبش آزادی و برابری است.

۳- یک رکن سیاست ایندوره رژیم اسلامی، دامن زدن به تبلیغات ناسیونالیستی در متن پرونده هسته ای و همزمان سازماندهی تعرض فاشیستی به کارگران و شهروندان افغانستانی بوده است. ناسیونالیسم دشمن آزادی بشر در هر جای جهان است. با پرچم ناسیونالیسم و برتری جوئی ملی و فاشیسم ضد افغان یک ذره آزادی و حقوق حقه مردم متحقق نمیشود. ناسیونالیسم منشأ تفرقه و زمینه ساز جنایت و سببیت ملی همسایه علیه همسایه است. علیه این سیاست حکومت و سکوت اپوزیسیون راست باید صریحاً حرف زد. کارگران در اول مه پاسخ یکجا و روشنی دادند؛ ما انرژی هسته ای نمیخواهیم! کارگران جهان متحد شوید! در مقابل این ارتجاع ناسیونالیستی حکومت و اپوزیسیون راست باید از هویت و حقوق جهانشمول انسانها دفاع کرد.

۴- یک رکن دیگر سیاست جمهوری اسلامی در ایندوره ارباب جنبشهای اعتراضی از طریق دستگیری و زندانی کردن گسترده فعالین کارگری، فعالین جنبش آزادی و حقوق زن، فعالین دانشجویی، ترورهای خیابانی و ربودن فعالین و ناراضیان سیاسی بوده است. جمهوری اسلامی در

جنگ خیابانی علیه زنان و نسل جوان شکست خورد. هیچ درجه خشونت اسلامی باعث نشد که مردم سیستم زندگی و لباس پوشیدن و رفتار اجتماعی شان تغییر کند. کسی توجهی به این قمه کشی اسلامی ندارد. هیچ درجه ای از دستگیری و تهدید باعث نشد که جنبشهای اعتراضی ساکت شوند و یا از میزان اعتراض حتی در زندان کاسته شود. معنی همه اینها اینست که این روشها عمر خود را کرده اند و درد رژیم اسلامی را دوا نمیکند. پاسخ امروز تعرض است. دفاع از حق آزادی بیقید و شرط بیان و اعتراض و اجتماع و اعتصاب و تشکل و خواست آزادی فوری و بلادرنگ کلیه زندانیان سیاسی از خواستها و شعارهای محوری ۱۸ تیر امسال است. لطفاً تازه مدنی شده های اپوزیسیون همین شعارها را سرلوحه کار خود قرار دهند!

۵- و بالاخره باید به این ارکستر و ساز ناهنجار و ضد کارگری اپوزیسیون و حکومت پاسخ روشن و صریحی داد. آزادی زنان از مسیر جلب و جذب نظر آیت الله های ضد زن نمیگذرد. رفاه شهروندان از مسیر تحکیم اختناق و بازسازی سرمایه داری متکی به فقر و استثمار اکثریت مردم نمیگذرد. تشکيل سازمانهای مستقل کارگری و اعاده حقوق و رفاه کارگران از مسیر اتکا به بندهای قانون اساسی رژیم ضد کارگر اسلامی و امکان گرانی سندیکالیستی نمیگذرد. نفی اختناق از مسیر عوض کردن احمدی نژاد با کروبی و رفسنجانی و امثالهم و یا مبارزه مسالمت آمیز و نافرمانی مدنی نمیگذرد. آزادی از مذهب و خرافه و امر سکولاریسم از باج دادن به مذهب درباری و دگراندیشی اسلامی متحقق نمیشود. تا به منافع طبقه کارگر و اکثریت مردم مربوط است، راست ایران در کلیت خود حرفی برای زدن ندارد. چون میخواهد عمارت ننگین و خونینی که روی کرده فقر و فلاکت و بیماری کارگر بنا شده است را تحکیم و بازسازی کند. کارگران و زنان و جوانان برای آزادی باید پرچم آلترناتیو آزادیخواهانه و انسانی شان را برافرازند. این پرچم و این راه حل، علیرغم این تشبثات تحولات سیاسی مهمی را از سر

گذرانده اند. زمانی حزب کمونیست پرو سویت عراق بزرگترین حزب کمونیست خاورمیانه بود. این ادعای آقای رضا پهلوی طبعاً و صرفاً نمیتواند از سر عدم اطلاع باشد، بلکه توضیح سرپوشیده این نکته است که حمله نظامی به عراق و افغانستان اشکالی نداشت، چون جامعه مدنی نداشتند! اما حمله به ایران فعلاً خوب نیست چون ایران جامعه مدنی دارد و نافرمانی مدنی و حمایت "جهان آزاد" از مبارزه مردم ایران میتواند مثمر ثمر باشد! اینهم تزی است؟! این نوع تحلیل و قیاس سیاسی نه متکی برحقیقت تاریخی بلکه ناشی از فقدان افق استراتژیک سلطنت طلبان و نوسان در سیاست آنهاست.

اما موضوع سکولاریسم رضا پهلوی و ظاهر شدن در قالب کارشناس اسلامی و دفاع از "اصول تشیع خود ما و دین خودمان" بسیار جالب است. رضا پهلوی مدعی است که نظام مورد نظر ایشان و جریان راستی که نمایندگی میکند نظامی سکولار است. همزمان تاکید میکند که راه سوم این است که حال که مذاکرات با رژیم به بن بست رسیده است، هم پیمان واقعی دولتهای غربی مردم ایران هستند. پس از ما حمایت کنید و نظام جمهوری اسلامی را به عقب نشینی وادار کنید. چگونه؟ از طریق نافرمانی مدنی، مبارزه مسالمت آمیز و یک انقلاب مخملی! در مورد مطلوبیت انقلاب مخملی میگویند که من به روحیه روزگار و انقلاب مخملی معتقدم و بر این باورم که سناریوی پرهزینه را نباید گرفت! اینجا ترسشان را مانند هر راست دیگری از حرکت مستقل مردم تحت عنوان سناریوی پرهزینه و خشونت اعلام میکنند. در این سناریوی کم هزینه مورد نظر ایشان که تقریباً کل اپوزیسیون راست روی آن توافق دارد، اعتصاب سراسری کارگری و اعتراضات جنبشهای دیگر هم اخیراً با تاکید بیشتری وارد شده است. قبل از رضا پهلوی اکبر گنجی این نکات را تاکید کرده بود. البته بشرطی

## یادداشت سردبیر...

که این اعتصابات و اعتراضات "مدنی" باشد و نه "اعتراضی طبقاتی"!؟ مهتر اینست که ایشان شب و روز در فکر این هستند که باید کاری کرد که هشتاد درصد نیروهای نظام راه خروج داشته باشند. تاکید میکنند نظامی ها مثلا پاسدار و بسیج باید جایی در آینده داشته باشند، نباید تنها بمانند، فقط عوامل اصلی حکومت تنها خواهند بود. و به این مدل آفریقای جنوبی اطلاق میکنند! پیشتر هم گفته اند که "همه را میبخشیم و یک عفو عمومی صادر شود" و کسی نباید نگران باشد!

فعلا به این فانتزی سیاسی ایشان کاری نداریم چون این حق و حقوق به مردم ایران و نهادهای منتخبشان مربوط است، احزاب و شخصیت‌های اپوزیسیون میتوانند تلاش کنند که مردم خط مشی شان را قبول کنند. اما اگر آقای رضا پهلوی و سلطنت طلبان خیلی مدنی شدند لطفا از لغو اعدام بیقید و شرط دفاع کنند و نه صرفا "لغو اعدامهای سیاسی"! وقتی شما نفس اعدام و آدمکشی دولتی را نگاه میدارید، بدوا و اساسا علیه مخالفین سیاسی بکار خواهید گرفت. کاری که رژیم سلطنتی در ایران و بدنبال آن رژیم اسلامی انجام داد و امروز در عراق و افغانستان محصول "جهان آزاد" رضا پهلوی نیز ادامه دارد. در عین حال این سیاست معامله و بند و بست ایشان است که نام "مدل آفریقای جنوبی" را گرفته است. ما مردم معتقدیم که باید حقایق روشن شود و پرونده ها ورق بخورد و مجازات اعدام فوراً لغو

شود. جامعه ایران اگر قرار است از این کابوس اسلامی عبور کند و سنگ بنای یک جامعه آزاد و مدرن و انسانی را بگذارد، باید سیکل باطل انتقام جوئی را در فلسفه قضا کنار بگذارد و در گام اول مجازات اعدام را تماما لغو کند. سیاست انتقامجوئی و فلسفه ارتجاعی چشم در مقابل چشم همانقدر مضر است که سیاست کنار آمدن با قاتلین مردم. در ضمن الگوی آفریقای جنوبی مناسب حال جریان آقای رضا پهلوی نیست. چون در آفریقای جنوبی حکومت آپارتاید از نفس افتاده بود و تداوم آن برای سرمایه داری آفریقای جنوبی دیگر مضر بود. سازشی صورت گرفت و البته قربانیان اول آن طبقه کارگر و مردم محروم و بویژه سیاه پوستان بودند. بویژه اینکه آقای رضا پهلوی نیز نلسون ماندلا نیستند و جنبش ضد آپارتاید اسلامی را در ایران و جهان نمایندگی نمیکند. نه فقط سیاست شان ربطی به آنتی آپارتاید اسلامی ندارد بلکه میخواهند اسلام و تشیع خودشان را نگه دارند. نمیشود یک تکه از یک الگو را بعنوان تابلو انتخاب کرد و فاقد بقیه خصوصیات کل پدیده بود. این نوعی بآلماسکه میشود. مهتر اینکه ایران آفریقای جنوبی نیست و این الگو برداری اختیاری است.

اما سیاست رضا پهلوی بشدت ضد روندهای پایه ای حرکت و مبارزه نسل جدید در جامعه ایران است و ادعای سکولار بودن ایشان را زیر سوال میبرد. ایشان به رژیم اسلامی و موجودیتش از این سر انتقاد میکنند که طبق فلسفه اسلامی و ظهور امام زمان و غیره، خلافت و حکومت حق

اینها نیست! انگار خامنه ای و خمینی و مقتدا صدر و طالبان بر این اساس سر کار آمدند! نخیر آقای رضا پهلوی، موضوع خیلی ساده است. وقتی حکومت دیکتاتوری پدر شما نتوانست تحت فشار امواج انقلاب سرپا بماند و خطر رشد و قدرتگیری چپ عینی بود، همین امثال برگزار کنندگان کنفرانس پراگ در گوادولوپ تصمیم گرفتند جریان اسلامی را به دلیل خصوصیات ضد کمونیستی و مطلوبیت اش در معادلات جنگ سرد سرکار بیارند و ماموریت شان این بود که کار ناتمام پدر شما را در مقابل انقلاب تمام کنند. آنچه را پدر شما در ۱۷ شهریوی شروع کرد آقایان در ۳۰ خرداد پایان دادند و تا امروز به همین شیوه ها سرپا مانده اند. حکومت اسلامی نه بر اساس "انقلاب اسلامی" سرکار آمد و نه بر اساس اصول تشیع مورد نظر شما و خودشان. بنا بر این بحث شما مبنی بر اینکه "جمهوری اسلامی برخلاف تشیع خود ما است و فلسفه اینها برخلاف دین خودمون است" هیچ آخوندی را از خر مراد پائین نمیکشد! هم شما میدانید چرا جمهوری اسلامی سرکار آمد و هم این امتیاز داندانتان به تشیع و دین خودتان و چراغ سبز به دستگاه مذهب برای شرکت در حکومت آینده به مذاق نسل جدید خوش نمی آید. به نظر میرسد سکولاریسم در اپوزیسیون راست ایران - چه راست پرو غربی و چه راست ملی اسلامی- علیرغم هر ادعا و سابقه و داعیه دفاع از سکولاریسم و غیره، هنوز کیمیاست. مردم و نسل جدید دارند به "مقدس ترین" تابوهای اسلامی حمله میکنند و رضا

پهلوی از اصول تشیع خودشان حرف میزنند! بگذارید از آقای رضا پهلوی بپرسیم که شما حاضرید به جای علم و دانش و دستاوردهای بشر امروز به فرزندانان این اصول تشیع خودتان را یاد دهید و یا وادار به فراگیری اصول تشیع و بکار گیری آن شوند؟ بعید میدانم. اما اگر پاسخ منفی است چرا این اصول ضد انسانی را تحت عنوان تشیع خودمان برای مردم تجویز میکنید و نگه میدارید؟

واقعیت اینست که سلطنت و اسلام و کلا سلطنت و مذهب یک دو قلوی تاریخی اند و یکی بدون دیگری معنا و مفهومی نداشته است. همیشه شاه سایه خدا بوده و مذهب دستگاه سلطنت را مشروعیت داده است. مشکل رضا پهلوی نفس مذهب و بودنش در سیاست نیست، بلکه نقشی است که برای مذهب در آینده در نظر دارد و حرفهای ایشان فرمولی است برای اطمینان خاطر دادن به مقامات جمهوری اسلامی در یک سناریوی فرضی دست بدست شدن قدرت در یک انقلاب مخملی. اما تمام مشکل این دیدگاه و این استراتژی، حتی اگر فرض را به نادرست بر پراگماتیسم سیاسی رضا پهلوی در مقابل مذهب بگذاریم، اینست که مردم نمیپذیرند که کمی مذهب را عقب برانند و کمی اختناق را سر جایش بگذارند و کمی در باغ سبز آزادی را ببینند! هجوم ضد اسلامی پشت هر تحول سیاسی در ایران لانه کرده و آماده تعرض است. آقای رضا پهلوی! شما آب در هاون میکوبید. و تا به خود شما برمیگردد، معلوم نیست کی میخواهید کمی سکولار شوید؟

پیام جوانان حزب اتحاد کمونیسم کارگری در تهران به همسنگران دانشگاه امیر کبیر ایران:

### به نام آزادی و برابری!

رفقا، یاران دبستانی، حال که شما در بند 209 زندان اوین در حال مقاومت در برابر شکنجه های روحی و جسمی هستید که ما هم از آنها بی بهره نبوده ایم در گذشته دور و نزدیک، بدانید که ما صدای فریاد شما در دانشگاه و خیابان هستیم. بدانید که تنها نیستید و ضرباتی که دیروز و امروز بر جسم شما فرود آمد قلب ما را تکه تکه کرد.

از تمام دانشجویان، کارگران، زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب در تهران و سایر نقاط می خواهیم که در آستانه قیام 18 تیر از تکرار فاجعه شکنجه های قرون وسطایی و نابودی مبارزان دانشگاهی جلوگیری کرده و دست در دست هم یک اعتراض سرتاسری را برای نجات جان این عزیزان در بند و بر ضد نظام فاشیستی حاکم بر ایران پی ریزی کنیم.

با احترام، جوانان حزب اتحاد کمونیسم کارگری در تهران





## ستون آخر

"بر ویرانه های بهشت پرولتاریا" علی جوادی



## بیاد منصور حکمت در های گیت گرد آنیم!



۴ ژوئیه پنجمین سالگرد درگذشت منصور حکمت، متفکر و تئوریسین بزرگ جنبش کمونیسم کارگری است. تاکنون هر سال در گرامیداشت این انسان بزرگ و این کمونیست برجسته در های گیت گرد آمده ایم. امسال نیز روز شنبه ۳۰ ژوئن ساعت ۱ بعد از ظهر در های گیت جمع می‌شویم. در اینجا از تمام دوستداران منصور حکمت دعوت می‌کنم که در این روز به های گیت بیایند تا با هم به یاد این انسان عزیز و ارزشمند و دستاوردهای عظیم او را گرامی بداریم.

آذر ماجدی ۶ ژوئن ۲۰۰۷

تلفن تماس: +44 77 65 43 12 76 سیروان قادری  
[azarmajedi@gmail.com](mailto:azarmajedi@gmail.com)

جامعه مدنی "خطاب به کارگران می‌گوید: "اما مبارزه طبقاتی شکافی در جبهه مبارزه خواهد انداخت که تنها به نیرومند تر شدن دست حکومت خواهد انجامید." و سپس زمخت تهدید می‌کند: "کسانی که با زبان چهل و پنجاه سال پیش سخن می‌گویند نمایندگان ایران آینده ای نیستند که نه تنها بر ویرانه های جمهوری اسلامی بلکه بر ویرانه های بهشت پرولتاریا ساخته خواهد شد." اینهم وعده ای است که اپوزیسیون دست راستی به کارگر میدهد. میخواهد فردایشان را بر "ویرانه های بهشت پرولتاریا" بسازند. تهدید میکنند که اگر کارگر بر امر مستقل طبقاتی خود، بر اهداف خود برای آزادی و برابری و حکومت کارگری تاکید کند، اگر پرچم این مبارزه را در دست بگیرد، از هم اکنون متهم به "نیرومند" کردن جمهوری اسلامی خواهند شد. عملاً می‌گوید مطیع شوید، دست از مبارزه طبقاتی بردارید. سکوی پرش بورژوازی برای برقراری نوع دیگری از استبداد و استعمار شوید، تا "رستگار" شوید. بر سر در حزب مشروطه نوشته شده است، حزبی برای آینده ابعاد و سیمای این آینده هر روز بیشتر روشنتر میشود. در این آینده کارگران باز محکومند.

آیا این تحولات مایه نگرانی است؟ بهیچ وجه! بر عکس نشان پیشرفت کارگر و کمونیسم در تحولات جامعه است. چه آنهایی که در حاکمیت اسلامی هستند خود را در ضدیت با کارگر و کمونیسم معنی میکنند، و چه آن نیروهای بورژوازی که در اپوزیسیون هستند، خود را برای مقابله با کارگر و آماده میکنند. یک رکن تلاش نیروهای اپوزیسیون راست و محافظه کار در تقلا برای کنار زدن رژیم اسلامی، ایجاد آمادگی در صفوف بورژوازی برای مقابله با عروج کارگر با پرچم کمونیسم است. این تحرکات نشان پیشرفت طبقه ماست. \*

است. دائمی و همیشگی و آشکار است. بدون استعمار کارگر یک روز سنگ روی سنگشان بند نمیشود. مهم نیست که در چه قالبی پیچیده شده باشد. بسته بندیها فقط متفاوتند. به دو نمونه زیر توجه کنید:

۱- این یکی تا دیروز در حاکمیت بوده است. امروز اپوزیسیون دربار اسلام است. آقای عبدالله رمضانزاده از مسئولین حزب مشارکت اسلامی گفته است: "دولت نهم حقوق کارگران را بدون کار کارشناسی افزایش داد و همین امر باعث شد در طول چند ماه بیش از ۳۰۰ هزار کارگر در نتیجه ورشکستگی کارخانه ها بیکار شوند و در نتیجه یک سر برگمی در کشور حاکم شود." اینکه چه اقدامی دولت جنایتکار احمدی نژاد در قبال چنین "دروغ و اتهام" سنگینی از طرف شرکای حکومتی سابق خود در رابطه با افزایش حقوق کارگران آنهم "بدون کار کارشناسی" انجام خواهد داد، مساله ای مربوط به جنگ این مرتجعین اسلامی است. اما آنچه بوی تعفن اش مشام را می آزارد ضدیت کور و ضد انسانی رمضانزاده با کارگر است. ظاهراً "کار کارشناسی" کرده اند و نتیجه گرفته اند که کارگر نباید حقوقش اضافه شود، چرا که سرمایه دار ورشکسته میشود؟! اینهم جوهر انتقاد "اپوزیسیون" دو خردادی به دولت حاکم در شرایطی است که هنوز عرق تن رژیم اسلامی از سرکوب زنان و جوانان و کارگران خشک نشده است. کارگران اعتصابی نیشکر هفت تپه را وحشیانه سرکوب کردند. محمود صالحی با کلیه ای بیمار در زندان است. و دانشجویان پلی تکنیک در اوین تحت شکنجه قرار دارند.

۲- دومی از چهره های اپوزیسیون است. دست راستی و ناسیونالیست است. قبلاً وزیر و درباری بوده است. آقای داریوش همایون نویسنده اطلاعیه حزب مشروطه تحت عنوان "جنبش کارگری در متن پیکار

یک رکن تبلیغات عوامفریبانه تمامی نظامهای طبقاتی بورژوازی این مزخرف جاودانه است که دولت ابزار حکومت همه مردم است. بیطرف است. جانبدار نیست. ارگان حاکمیت طبقه خاصی در جامعه سرمایه داری موجود نیست. حتی در خشن ترین و دیکتاتورترین حکومتهای موجود، چه در حکومت سلطنتی یا حکومتهای مذهبی و الهی و یا حکومتهای دمکراسی، تلاش میشود تعلق و ماهیت طبقاتی دستگاه حاکم بر مردم پنهان شود. هنر تبلیغاتی بورژوازی در این است که موفق شود این ضدیت تا مغز استخوان خویش علیه کارگر و مردم زحمتکش را در اذهان توده های جامعه عادی و بعضاً مشروع جلوه گر بنماید.

اما حفظ این پوسته دروغین در دوران برآمد سیاسی، در شرایطی که جامعه به یک تلاقی حاد طبقاتی و اجتماعی کشیده است، عملاً امکان پذیر نیست. حاد شدن قطب بندیهای سیاسی در جامعه امکان چنین عوامفریبی هایی را عملاً از مبلغین بورژوازی سلب میکند. در چنین دورانی شمشیرها باید از رو بسته شوند. حرفها باید رک و صریح باشند. موقعیت حاضر در ایران اسلام زده گویایی چنین شرایطی است. مردمی که حکم به سرنگونی رژیم اسلامی سرمایه داده اند. کارگرانی که در ابعاد گسترده پا به میدان تقابل با سرمایه و حاکمیت اسلامی گذاشته است. کمونیسم کارگری ای که یک پای معادله قدرت سیاسی است، جامعه ای که وضعیت موجود را نمیخواهد. میخواهد، آزاد و برابر و مرفه و انسانی زندگی کند. و رژیمی که برای بقاء تمام هیولاهای تاریخ گذشته و معاصر را به میدان آورده است. ضدیت با کارگر امری طبقاتی است. یک رکن اساسی سیاست تمام نیروهای بورژوازی اعم از اپوزیسیون و یا اپوزیسیون است. ضدیت با کارگر و مطالباتش عنصر ذاتی و وجودی سرمایه